

كتاب سموئيل

درس دوم

سموئيل و شاول



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2022 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: کتاب سموئیل (درس شماره ۲: سموئیل و شائول)
حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) مقدمهٔ سموئیل بر پادشاهی

ساختار و محتوا

سال‌های اولیهٔ سموئیل (اول سموئیل ۱: ۱-۲: ۱۱)

انتقال در راهبری (اول سموئیل ۲: ۱۲-۷: ۱۷)

کاربرد مسیحی

عهدهای خدا

پادشاهی خدا

(۳) پادشاهی شکست‌خوردهٔ شائول

ساختار و محتوا

سال‌های اولیهٔ شائول (اول سموئیل ۸: ۱-۱۵: ۳۵)

انتقال در راهبری (اول سموئیل ۱: ۱۶ تا دوم سموئیل ۱: ۲۷)

کاربرد مسیحی

عهدهای خدا

پادشاهی خدا

(۴) نتیجه‌گیری

(۵) واژه‌نامه

سموئیل و شائول

مقدمه

داستانی در مورد یک راهنما وجود دارد که گروهی از مردان را در یک سفر طولانی هدایت می‌کرد. در پایان روز اول، یکی از مردان جوان لب به شکایت باز کرد و گفت: «این سفر خیلی طول خواهد کشید. شاید به مسیر اشتباهی رفته باشیم.» اما راهنما مطمئن بود. او نقشه‌اش را برداشت و مسیر حرکت آن روز را به تمام گروه نشان داد. به آنها اطمینان بخشید و گفت: «ببینید، ما قطعاً راه درست را در پیش گرفته‌ایم.»

از بسیاری جهات، نویسنده سموئیل نیز وقتی که کتاب خود را نوشت، همین کار را انجام داد. در روزگار او، افراد زیادی در اسرائیل مطمئن نبودند که آیا اجدادشان در زمانی که داوود پادشاه آنها شد در مسیر صحیح حرکت کردند یا مسیر اشتباه. در طول سالیان، خاندان داوود مشکلات فراوانی برای اسرائیل به بار آورده بودند. اما نویسنده کتاب سموئیل مطمئن بود. او به مخاطبین اولیه و اصلی کتاب خود یادآوری کرد که قطعاً راه درستی را در پیش گرفته‌اند. او نوشت تا به آنها اطمینان بدهد راهی که به پادشاهی داوود منتهی شد، راهی است که خود خدا آنها را در آن قرار داده بود.

این دومین درس از مجموعه دروس «کتاب سموئیل» است و ما آن را «سموئیل و شائول» نامیده‌ایم. در این درس خواهیم دید که چطور دو بخش اصلی کتاب‌مان تعلیم می‌دهند که خدا اسرائیل را طی دوره زندگی سموئیل و شائول در مسیر درست هدایت کرد. همچنین خواهیم دید که این باب‌ها چطور امروزه در زندگی ما به عنوان پیروان مسیح کاربرد دارند.

باید از درس پیشین به خاطر داشته باشید که سموئیل، شائول، و داوود در مرکز توجه سه بخش اصلی کتاب‌مان قرار دارند. نخست، مقدمه سموئیل بر پادشاهی را در اول سموئیل ۱-۷ می‌خوانیم. سپس پادشاهی شکست‌خورده شائول را در اول سموئیل ۸ تا دوم سموئیل ۱ می‌بینیم. و در نهایت، در دوم سموئیل ۲-۲۴ درباره پادشاهی پایدار داوود می‌آموزیم.

نویسنده سموئیل زمانی کتاب خود را نوشت که اسرائیل با آزمایش‌هایی جدی، چه در دوره پادشاهی تقسیم‌شده یا طی زمان تبعید بابلی، مواجه بود. و او مطالب زیادی برای بیان به مخاطبینی داشت که کتاب او را در این زمان‌های پر از مشکلات دریافت می‌کردند. در درس پیشین، این هدف اصلی را چنین خلاصه کردیم:

نویسنده سموئیل توضیح داد که چطور گذار اسرائیل به پادشاهی در عهد خدا با داوود به اوج خود رسید، تا اسرائیل امید خود به پادشاهی خدا را در حکمرانی عادلانه خاندان داوود قرار بدهد.

از یک سو، نویسنده سموئیل می‌خواست که مخاطبین اصلی او به گذشته، تحت شرایط پویایی عهدهای خدا نگاه کنند. به طور خاص، او می‌خواست آنها ببینند که چطور گذار اسرائیل به پادشاهی در عهد خدا با داوود به اوج خود رسید. و از سوی دیگر، با فراخوانی مخاطبین خود به اینکه امیدشان برای آینده پادشاهی خدا را بر حکمرانی عادلانه خاندان داوود قرار بدهند، بر مضمون پادشاهی خدا تمرکز کرد. در این درس خواهیم دید که چطور این هدف دو جانبه در روایات کتاب ما از سموئیل و شائول برجسته می‌شود.

کنکاش ما در زندگی سموئیل و شائول به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. نخست، به مقدمه سموئیل بر پادشاهی در اول سموئیل ۱-۷ نگاه می‌کنیم. سپس به سراغ پادشاهی شکست‌خورده شائول در اول سموئیل ۸ تا دوم سموئیل ۱ خواهیم رفت. هر دوی این بخش‌ها برای پیشبرد هدف اصلی نویسنده ما حیاتی بودند. بیایید با مقدمه سموئیل بر پادشاهی در اول سموئیل ۱-۷ شروع کنیم.

مقدمه سموئیل بر پادشاهی

باب‌های پایانی کتاب داوران گزارش می‌دهند که لایوان سست ایمان در قلمرو اسباط شمالی، اسرائیل را به شورش علیه خدا سوق دادند. نویسنده کتاب داوران توضیح داد که این موضوع به خاطر یک دلیل اصلی رخ داد. همانطور که او چهار دفعه در اواخر کتاب خود بیان می‌کند، «در آن ایام در اسرائیل پادشاهی نبود و هر کس آنچه در نظرش پسند می‌آمد، می‌کرد.» در پرتو این پس‌زمینه، جای تعجب ندارد که کتاب ما با تولد سموئیل آغاز می‌شود. سموئیل یک لاوی از قلمرو شمالی اسرائیل بود که قوم را به عصر پادشاهی رهنمون شد.

ما مقدمه سموئیل بر پادشاهی را از دو راه عمده بررسی خواهیم کرد. نخست از طریق کاوشی در ساختار و محتوای این بخش از کتاب‌مان، بر معنای اصلی آن متمرکز خواهیم شد. و سپس، درباره کاربرد مسیحی این باب‌ها فکر خواهیم کرد. بیایید با ساختار و محتوای این اولین بخش از سموئیل آغاز کنیم.

ساختار و محتوا

قبل از آنکه جلوتر برویم، مفید است که به معرفی مضامین اصلی‌ای بپردازیم که در این باب‌ها خواهیم دید. نخست، نویسنده ما بر پادشاهی خدا متمرکز شد. هم نویسنده سموئیل و هم مخاطبین اولیه او می‌دانستند که سموئیل، داوود را به عنوان پادشاه مسح کرده بود و زمینه را برای خاندان داوود فراهم ساخت تا پادشاهی خدا را در اسرائیل راهبری کنند. اما همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم، زمانی که کتاب ما نوشته شد بسیاری در اسرائیل با این پرسش مواجه بودند که آیا از مسیر درست رفته‌اند یا نه. در طول سال‌ها، خاندان داوود مسبب مشکلات بی‌شماری

برای قوم خدا شده بودند. بنابراین، نویسنده ما برای اطمینان بخشیدن به مخاطبانش که در راه درست قرار دارند، نشان داد که چطور خود خدا سموئیل را به منظور مسح کردن داوود به مقام پادشاهی پرورش داد. او برای تایید بیشتر این واقعیت، توجهات را به دومین مضمون اصلی جلب کرد: یعنی پویایی عهد خدا با موسی. در روزگار سموئیل، اسرائیل از طریق پویایی عهد خدا در کوه سینا، به او وابسته بود. نویسنده سموئیل اشاره کرد که چطور خدا در زمان حیات سموئیل به اسرائیل سخاوت بسیار نشان داده است. او همچنین بر الزام خدا نسبت به وفاداری قدرشناسانه انسان، به ویژه در رابطه با قوانین موسی برای پرستش تمرکز کرد. نویسنده ما با تمرکز بر عهد خدا در موسی از این طریق، مخاطبین اصلی خود را به پذیرش نتایج مقدمه سموئیل بر پادشاهی دعوت کرد. اینکه مردم اسرائیل راهی را دنبال کردند که سموئیل آغاز کرد کاملاً صحیح بود، زیرا خود خدا آن را ایجاد کرده بود.

به طور کلی، ساختار و محتوای مقدمه سموئیل بر پادشاهی به دو مرحله اصلی بالغ می‌شود. این مقدمه با سال‌های اولیه سموئیل در اول سموئیل ۱: ۱-۲: ۱۱ شروع می‌شود. سپس در ۲: ۱۲-۷: ۱۷ به انتقال راهبری کهانتی از عیسی و پسرانش به سموئیل می‌پردازد. نویسنده ما آشکار می‌سازد که طی سال‌های اولیه سموئیل، همزمان با تولد او، خدا عصر جدیدی را برای اسرائیل آغاز کرد.

سال‌های اولیه سموئیل (اول سموئیل ۱: ۱-۲: ۱۱)

روایت سال‌های اولیه سموئیل بر تولد و وقف او برای پرستش خدا در خیمه شیلوه تمرکز می‌کند. این تک روایت در اول سموئیل ۱: ۱-۲۸ با یک خاتمه مختصر در ۲: ۱۱ دیده می‌شود. درون این روایت، در ۲: ۱-۱۰ سرود ستایش طولانی حنا قرار گرفته است.

تولد و وقف (اول سموئیل ۱: ۱-۲۸؛ ۲: ۱۱). همانطور که در درس پیشین بحث کردیم، داستان تولد و وقف سموئیل با زنی به نام حنا آغاز می‌شود. به یاد دارید که شوهر حنا، القانه، دو همسر داشت. فننه چندین بچه داشت، اما حنا نازا بود. خانواده آنها به طور مرتب در اعیاد سالانه خیمه در شیلوه شرکت می‌کردند. در این اعیاد، فننه بی‌رحمانه حنا را برای نازایی او مورد تمسخر قرار می‌داد. علاوه بر این، القانه نمی‌توانست ناراحتی حنا را درک کند و شکایت می‌کرد که خود القانه باید برای او کافی باشد.

در یکی از این اعیاد، حنا چنان غمگین شد که خود را کنار کشید و نزد خداوند دعا کرد. او به خدا قول داد که اگر پسری به او بدهد، آن پسر را در کل عمرش به خدمت خداوند بسپارد. در ۱: ۱۱ حنا گفت: «موی سر او هرگز تراشیده نشود»، به این معنا که او از شرایط نذر تخصیص به خدمت خدا در اعداد ۶: ۱-۲۱ پیروی خواهد کرد. عیسی کاهن متوجه غم بزرگ حنا در زمان دعا شد و گمان کرد که او مست است. اما حنا بی‌گناهی خود را ابراز کرد و عیسی پس از شنیدن داستان او، به وی اطمینان داد که خدا فرزندى به وی خواهد بخشید.

اندکی بعد از این قسمت، حنا حامله شد و پسری زایید. نام او را سموئیل یا شموئیل (שִׁמוּאֵל) در عبری گذاشت. این نام احتمالاً به معنای آن بود که «این نام ال است.» و اشاره می‌کرد که حنا برای این بچه نام خدا را صدا زده است. زمانی که سموئیل از شیر گرفته شد، حنا به قول خود عمل کرد و سموئیل را به عنوان خدمتگزار شخصی عیسی در خیمه، به خدمت خداوند سپرد.

داستان سال‌های اولیه سموئیل به خودی خود روایتی از یک زن لاوی فروتن است که پاسخ معجزه‌آسایی به دعا دریافت کرد و با سرسپردگی به خدا پاسخ داد. اما تجربه حنا اهمیتی داشت که بسیار فراتر از زندگی شخصی او بود. نویسنده ما این اهمیت را با گنجاندن گزارشی از سرود ستایش حنا در روایت خود از تولد و وقف سموئیل آشکار ساخت.

سرود ستایش حنا (اول سموئیل ۲: ۱-۱۰). سرود ستایش حنا توجه ویژه‌ای به این نکته دارد که چطور لعنت‌ها و برکت‌های عهد خدا، شرایط افراد گناهکار و فروتن را وارونه کرد. به طور خاص، حنا خدا را به خاطر کارهایی که از طریق تولد و وقف پسرش انجام داده بود، ستایش کرد. قدرت وارونه‌ساز خدا چنان نقش مهمی در سرتاسر کتاب ایفا می‌کند که سرود ستایش حنا در واقع فهرستی کامل از کل مطالب کتاب سموئیل ارائه می‌دهد.

سرود ستایش حنا که در باب ۲ از اول سموئیل می‌بینیم بسیار مهم است، از این نظر که زمینه را برای آنچه در بقیه کتاب اتفاق می‌افتد، فراهم می‌کند. بسیاری از مضامین کلیدی کتاب سموئیل در اینجا پیدا می‌شوند. همچنین جالب است که سرود او را با سرود مریم در عهد جدید مقایسه کنیم، که در هر دو مورد این نکته مطرح می‌شود که فقط یک خدا وجود دارد؛ یهوه تنها خداست. و به این ترتیب، او تنها کسی است که می‌تواند نجات ببخشد. مضمون دیگری که در سرود حنا به چشم می‌خورد، این اندیشه است که خدا از افراد بعید استفاده می‌کند، از فقرا، از افراد در هم شکسته، و از افراد دلشکسته استفاده می‌کند. و این، البته موضوعی است که دقیقاً در کتاب مقدس جریان دارد. قوت خدا در ضعف‌های ما آشکار می‌شود. و بنابراین، همزمان با اینکه او خدا را ستایش می‌کند که در واقع، از او برای نجات قوم استفاده کرده است، می‌بینیم که این اندیشه در کل کتاب سموئیل جریان دارد.

- دکتر جان ازوالت

ما می‌توانیم ثبت ستایش حنا در ۲: ۱-۱۰ را به سه بخش تقسیم کنیم. مانند آنچه در باب‌های اولیه کتاب سموئیل می‌بینیم، سرود حنا با کاری آغاز می‌شود که خدا در تجربه شخصی او انجام می‌شود. همانطور که او در آیه ۱ گفت، «دل من در خداوند وجد می‌نماید... دهانم بر دشمنانم وسیع گردیده است.» حنا با چشمان خود دیده بود که خدا چطور شرایط او را وارونه کرد. او فننه را به خاطر پرستش غیر صادقانه‌اش در شیلوه، لعنت کرده و شرمسار ساخته بود. و در مقابل، به خاطر پرستش با ایمان حنا، او را با شادی صاحب فرزند شدن برکت داد.

در پی این، و مانند چندین باب بعدی کتاب ما، سرود حنا فراتر از تجربه شخصی او عموماً به قوم اسرائیل بسط می‌یابد. در آیات ۲-۸، حنا ابراز اطمینان کرد که خدا شرایط بسیاری از مردم را تغییر خواهد داد زیرا لعنت‌ها و برکات را در مقیاس وسیع‌تری نازل خواهد کرد. به سخنان حنا در اول سموئیل ۲: ۷-۸ گوش بدهید:

خداوند فقیر می‌سازد و غنی می‌گرداند؛ پست می‌کند و بلند می‌سازد. فقیر را از خاک بر می‌افرازد و مسکین را از مزبله بر می‌دارد تا ایشان را با امیران بنشانند و ایشان را وارث کرسی جلال گردانند، زیرا که ستون‌های زمین از آن خداوند است و ربع مسکون را بر آنها استوار نموده است (اول سموئیل ۲: ۷-۸).

این الگوی گسترده‌تر از مشیت وارونه‌ساز خدا، تحولات آینده در راهبری اسرائیل را پیش‌بینی می‌کرد. همانطور که در این درس خواهیم دید، خدا خانواده عیسی را لعنت کرد و سموئیل را برکت داد. و بعدتر، خدا شائول و خاندان او را لعنت کرد و داوود و سلسله او را برکت داد.

در نهایت، مانند آخرین بخش اصلی کتاب ما که بر سلطنت پایدار داوود تمرکز دارد، پایان سرود ستایش حنا مشتاقانه در انتظار پادشاهی و پادشاه پر جلال خداست. در آیات ۹-۱۰ حنا یقین خود را آشکار ساخت که لعنت‌ها و برکات وارونه خدا روزی منجر به پادشاهی در اسرائیل خواهد شد که بر همه دشمنان خدا غلبه خواهد کرد. به نحوه‌ای که او این مسئله را در آیه ۱۰ بیان می‌کند گوش بدهید:

آنانی که با خداوند مخاصمه کنند، شکسته خواهند شد. او بر ایشان از آسمان صاعقه خواهد فرستاد. خداوند، اقصای زمین را داوری خواهد نمود، و به پادشاه خود قوت خواهد بخشید و شاخ مسیح خود را بلند خواهد گردانید (اول سموئیل ۲: ۱۰).

در روزگار حنا، اسرائیل متحمل چندین دهه شکست از دشمنان خود بود. اما در اینجا، حنا با اطمینان اعلام کرد که لعنت‌های خدا بر «آنانی که با خداوند مخاصمه کنند» نازل خواهد شد. آنها «شکسته خواهند شد» و «خداوند اقصای زمین را داوری خواهد نمود.» حنا یقین داشت که خدا تاریخ را به سوی روزی هدایت می‌کند که لعنت‌های ابدی را بر تمام دشمنان خود در سراسر جهان نازل کند.

اما دقت کنید که سخنان پایانی حنا نشان می‌دهد که داوری خدا از طریق برکات او به پادشاه اسرائیل خواهد آمد. همانطور که او در پایان آیه ۱۰ بیان می‌کند، «[خداوند] به پادشاه خود قوت خواهد بخشید و شاخ مسیح خود را بلند خواهد گردانید.» حنا تایید کرد که خدا با برکت به پادشاه آینده اسرائیل از طریق قوت و پیروزی، اقصای زمین را داوری خواهد کرد.

متاسفانه، بسیاری از مفسرین اهمیت سخنان پایانی حنا را دست کم می‌گیرند. همه افراد آشنا با کتاب سموئیل می‌دانند که بعدتر، در باب ۸ اول سموئیل، اسرائیل از خدا خواست یک پادشاه به آنها ببخشد که بر آنان حکومت کند. و خدا در پاسخ، در آیه ۷ به سموئیل گفت: «تو را ترک نکردند بلکه مرا ترک کردند تا بر ایشان پادشاهی ننمایم.» اغلب این کلمات اینطور تلقی می‌شوند که خدا هرگز نمی‌خواست که اسرائیل در هیچ شرایطی، هیچگونه پادشاه بشری‌ای داشته باشد. اما به هیچوجه اینطور نبود. مشکل، اشتیاق اسرائیل به یک پادشاه بشری نبود. در مقابل، آیه ۲۰ به ما می‌گوید که اسرائیل در آن زمان صرفاً یک پادشاه می‌خواست تا «مثل سایر امت‌ها» در اطراف خود باشند. عدم وفاداری و امتناع آنها از انتظار برای زمان‌بندی خدا بود که باعث چنین پاسخی از سوی او شد، نه درخواست آنها برای برخورداری از یک پادشاه. در حقیقت، شور و شوق حنا برای پادشاه آینده – یعنی کسی که به اهداف خدا برای پادشاهی اسرائیل خدمت کند – در واقع انعکاس‌دهنده تعالیم ثابت مکاشفه‌های پیشین خدا به قوم خود بود.

به عنوان چند مثال، در پیدایش ۱۷: ۶ خدا به ابراهیم با این وعده برکت داد که «پادشاهان از تو به وجود آیند.» و در پیدایش ۳۵: ۱۱، خدا به ایوب وعده داد که «از صلب تو پادشاهان پدید شوند.» علاوه بر این، در پیدایش ۴۹: ۱۰ ایوب پیش‌گویی کرد که «عصا از یهودا دور نخواهد شد.» باید این را نیز اضافه کنیم که در تثنیه ۱۷: ۱۴-۲۰، خدا با ارائه مقرراتی برای پادشاهی، استقرار پادشاهان در اسرائیل را پیشگویی کرد. به علاوه، داوران ۲۱: ۲۵ و چندین متن دیگر، تذکر می‌دهند که مشکلات دوره داوران به این دلیل بود که «در اسرائیل پادشاهی» وجود نداشت. و حنا تنها فرد در کتاب سموئیل نبود که بر امید خود به پادشاه اسرائیل اذعان کرد. در اول سموئیل ۲: ۳۵، یک نبی در اسرائیل به عیلی اعلام کرد که خدا کاهنی را بر می‌انگیزاند که «به حضور مسیح من پیوسته سلوک خواهد نمود.» در پرتو این متون، می‌توانیم ببینیم تولد معجزه‌آسای سموئیل، اعتماد حنا را به یک اصل باستانی ایمان اسرائیل احیا کرد. او می‌دانست که یک روز، خدا از طریق یک پادشاه بزرگ اسرائیل، پادشاهی خود را به تمام جهان بسط خواهد داد. و با تولد سموئیل، حنا متقاعد شد که خدا اسرائیل را به سوی آن روز حرکت می‌دهد. پس از نگاه به ساختار و محتوای سال‌های اولیه سموئیل، بیایید به بخش دوم مقدمه سموئیل بر پادشاهی بپردازیم: انتقال در راهبری کهانتی اسرائیل در ۲: ۱۲-۷: ۱۷.

انتقال در راهبری (اول سموئیل ۲: ۱۲-۷: ۱۷)

وقتی حنا سموئیل را در شیلوه به پرستش خدا وقف کرد، عیلی و پسرانش قدرتمندترین مراجع کهانتی اسرائیل بودند. اما در طی سال‌ها، اتفاقی کاملاً غیر منتظره رخ داد. سموئیل فروتن، جایگزین عیلی و پسرانش شد. این انتقال برای استقرار پادشاهی در اسرائیل حیاتی بود. در واقع به قدری حیاتی بود که نویسنده ما احساس کرد باید توضیح بدهد که خدا خودش این رویدادها را با اجرای لعنت‌ها و برکات عهدش با موسی به رقم زده است. عیلی

و پسرانش تحت لعنت‌های خدا قرار گرفتند چون قوانین موسی برای پرستش را آشکارا نقض کرده بودند. و سموئیل برکات خدا را دریافت کرد چون او با وفاداری دستورات مربوط به پرستش در شریعت موسی را تایید کرد. نویسنده سموئیل این انتقال در راهبری را با مجموعه‌ای از چهار تضاد بین خانواده عیلی و سموئیل توضیح داد. نخست، او ارزیابی‌های الهی در مورد پرستش پسران عیلی و سموئیل را در اول سموئیل ۲: ۱۲-۲۱ مقایسه کرد. دوم، او در اول سموئیل ۲: ۲۲-۲۶ ارزیابی‌های الهی و ارزیابی‌های عمومی از خانواده عیلی و سموئیل را مقایسه کرد. سوم، او در ۲: ۲۷-۴: ۱ پاسخ‌های خدا به عیلی را با پاسخ‌های خدا به سموئیل مقایسه کرد. و چهارم، مقایسه‌ای بین خانواده عیلی و سموئیل در مورد درگیری‌های اسرائیل با فلسطینیان می‌بینیم که از ۴: ۱-۷: ۱۷ آغاز می‌شود.

ارزیابی‌های الهی (اول سموئیل ۲: ۱۲-۲۱). مقایسه ارزیابی‌های الهی، ابتدا در آیات ۱۲-۱۷ به پسران عیلی می‌پردازد و با محکومیتی ناگهانی و قاطع آغاز می‌شود. همانطور که در آیه ۱۲ می‌خوانیم: «پسران عیلی مردانی فرومایه بودند و خداوند را نمی‌شناختند» (هزاره نو). نویسنده ما سپس توضیح می‌دهد که چرا به چنین دیدگاهی رسیده است. پسران عیلی به جای اینکه سهم خود را از گوشت قربانی به طریقی که شریعت موسی معین کرده بود دریافت کنند، بهترین قسمت گوشت را پیش از قربانی برای خود انتخاب می‌کردند. اگر کسی مخالفت می‌کرد، آنها دست به تهدید می‌زدند که بهترین قسمت‌ها را به زور تصاحب کنند. نویسنده سموئیل سپس ارزیابی خدا از این تخطی‌های آشکار از پرستش را آشکار ساخت. او در آیه ۱۷ نوشت: «گناه آن جوانان به حضور خداوند بسیار عظیم بود، زیرا که مردمان هدایای خداوند را مکروه می‌داشتند.»

اما بلافاصله بعد از این روایت، نویسنده ما در ۲: ۱۸-۲۱ به ارزیابی متفاوت خدا از سموئیل می‌پردازد. او ابتدا این مسئله را گزارش کرد که چطور حنّا با رجوع هر ساله برای اینکه ایفودی جدید، یک لباس ساده، به سموئیل بدهد، سرسپردگی خود به خدا را نشان داد. و خدا برکت به حنّا را ادامه داد و سه پسر و دو دختر دیگر به او بخشید. سپس، ۲: ۲۱ این بخش را با کلمات زیر به پایان می‌برد:

آن پسر، سموئیل، به حضور خداوند نمود می‌کرد (اول سموئیل ۲: ۲۱).

تایید دائمی سموئیل از سوی خدا، درست در نقطه مقابل محکومیت شدید پسران عیلی قرار داشت.

ارزیابی‌های الهی و عمومی (اول سموئیل ۲: ۲۲-۲۶). سپس نویسنده ما در اول سموئیل ۲: ۲۲-۲۶، ارزیابی‌های الهی و عمومی در مورد خانواده عیلی و سموئیل را مورد مقایسه قرار داد. از یک سو، در آیات ۲۲-۲۵ می‌آموزیم که پسران عیلی، تحت تاثیر آیین‌های باروری کنعانیان، با زنانی که در ورودی خیمه خدمت می‌کردند، روابط جنسی داشتند. و آیه ۲۴ اشاره می‌کند که اسرائیلیان وفادار، که عیلی آنها را «قوم خداوند» می‌نامید، از پسران

او شکایت می‌کردند. عیلی شدیدان به پسرانش هشدار داد که اگر ادامه بدهند، دیگر کسی نمی‌تواند به آنها کمک کند. اما آنها سرزنش پدرشان را نادیده گرفتند. آیه ۲۵، چرایی موضوع را به ما می‌گوید: «[پسران عیلی] سخن پدر خود را نشنیدند، زیرا خداوند خواست که ایشان را هلاک سازد.»

پس از گزارش این ارزیابی‌های منفی الهی و عمومی در مورد پسران عیلی، یادداشت کوتاهی می‌بینیم که خدمت سموئیل را با آنها مقایسه می‌کند. نویسنده ما نظر مثبت پیشین خود در مورد سموئیل را با توجه به واکنش خدا و قوم اسرائیل به او، از آیه ۲۱ بسط داد. در اول سموئیل ۲: ۲۶ چنین می‌خوانیم:

سموئیل، نمو می‌یافت و هم نزد خداوند و هم نزد مردمان پسندیده می‌شد (اول سموئیل ۲: ۲۶).

همانطور که این آیه به ما می‌گوید، هم خدا و هم افراد وفادار اسرائیل، خدمت کهناتی سموئیل را تایید کردند. **واکنش‌های خدا (اول سموئیل ۲: ۲۷-۴: ۱)**. به دنبال این ارزیابی‌های متفاوت، نویسنده ما در ۲: ۲۷-۴: ۱ واکنش‌های خدا به خدمت غیر وفادارانه عیلی و خانواده او را با واکنش‌های وی به خدمت وفادارانه سموئیل مقایسه کرد.

از یک سو، نویسنده ما در ۲: ۲۷-۳۶ به عیلی پرداخت. او توضیح داد که خدا یک نبی بی‌نام، یک «مرد خدا» فرستاد که به او نشان داد که چطور وی و پسرانش پرستش اسرائیل را به فساد کشانده بودند. خدا از طریق این نبی، خانواده عیلی را به لعنت تهدید کرد و در آیه ۳۱ گفت: «بازوی تو را و بازوی خاندان پدر تو را قطع خواهم نمود.» خدا خانواده عیلی را طرد کرده و آنها را از خدمت خود برکنار می‌ساخت.

از سوی دیگر، نویسنده ما از واکنش متفاوت خدا به سموئیل در ۳: ۱-۴: ۱ گزارش داد. او ابتدا خاطر نشان کرد که خدا در این زمان به ندرت از طریق انبیای خود صحبت می‌کرد، تا نشان بدهد اینکه خدا می‌خواست مستقیمان با سموئیل صحبت کند چقدر حائز اهمیت بود. سپس، بعد از اینکه خدا سموئیل را چندین بار در طول شب بیدار کرد، در آیه ۱۱ نشان داد در شرف انجام کاری چنان تکان‌دهنده بود که «گوش‌های هر که بشنود، صدا خواهد داد.» او به سموئیل گفت که دیگر گناهان خانواده عیلی را تحمل نخواهد کرد و آنها را تا ابد به خاطر شرارت‌شان مجازات خواهد کرد. هنگام صبح، سموئیل درباره تهدید خدا به لعنت خانواده عیلی به او گفت. جالب است که خود عیلی نیز موضوع را پذیرفت و گفت که اختیار به دست خداست و آنچه صحیح است را انجام می‌دهد. سپس نویسنده ما این مقایسه را در اول سموئیل ۳: ۱۹-۲۰ با این سخنان به پایان برد:

سموئیل بزرگ می‌شد و خداوند با وی می‌بود و نمی‌گذاشت که یکی از سخنانش بر زمین بیفتد. و تمامی اسرائیل از دان تا بئر‌شبع دانستند که سموئیل برقرار شده است تا نبی خداوند باشد (اول سموئیل ۳: ۱۹-۲۰).

دقت کنید که نویسنده ما در اینجا تایید خود نسبت به سموئیل را از ۲: ۲۱، ۲۶ بسط داد. همینطور که سموئیل بیشتر رشد می‌کرد، «خداوند باوی می‌بود.» و از آنجا که سموئیل خدا را وفادارانه در خیمه خدمت کرد، خدا او را برکت داد و وی را به عنوان نبی خود در نظر تمامی اسرائیل بزرگ ساخت.

درگیری‌ها با فلسطینیان (اول سموئیل ۴: ۱-۷: ۱۷). مقایسه‌های بین خانواده عیلی و سموئیل، به روایتی طولانی در مورد درگیری‌های اسرائیل با فلسطینیان در ۴: ۱-۷: ۱۷ ختم می‌شود. این بخش پایانی به سه قسمت تقسیم می‌شود که توجه خود را بر این نکته معطوف می‌کند که چطور لعنت‌های خدا بر خانواده عیلی منجر به شکست اسرائیل در فلسطینیان شد. و در مقابل، برکات خدا به سموئیل باعث پیروزی اسرائیل بر فلسطینیان شد. اولین قسمت این روایت در ۴: ۱-۲۲ شروع می‌شود. در اینجا متوجه می‌شویم که گناهان خانواده عیلی باعث شکست اسرائیل در نبرد با فلسطینیان شد. پسران عیلی با حمل تابوت عهد خدا به میدان جنگ، تظاهر به دینداری کردند، اما تابوت را صرفاً به عنوان طلسمی برای پیروزی تلقی می‌کردند. به علاوه، گناهان آنها در طی سالیان به قدری بزرگ شده بود که فلسطینیان نه تنها اسرائیل را شکست دادند، بلکه تابوت عهد را نیز تصاحب کردند. هر دو پسر عیلی در جنگ کشته شدند، و خود او نیز پس از دریافت خبر مرگ آنها و تصاحب تابوت، درگذشت. اما علاوه بر این، گناهان خانواده عیلی باعث لعنت خدا بر کل قوم اسرائیل شد. در ۴: ۲۱، عروس بیوه عیلی، نوزاد خود را «ایخابود» (אִיבּוּד in عبری) نامید که یعنی «جلالی وجود ندارد»، یا «جلال کجاست؟» همانطور که او در آیه ۲۲ توضیح داد: «جلال از اسرائیل زایل شد، چونکه تابوت خدا گرفته شده بود.» گناه عیلی و پسرانش، باعث این لعنت وحشتناک بر قوم شد.

پس از این قسمت، در ۵: ۱-۷: ۲ درباره مداخله خدا می‌خوانیم. فلسطینیان، پیروزی خود بر اسرائیل را با قرار دادن تابوت عهد خدا در مقابل بت داجون، خدای دروغین خود درون معبد او در اشدود جشن گرفتند. اما خداوند به طور خارق‌العاده‌ای مداخله کرد. بعد از اولین شب، فلسطینیان بت داجون را روی زمین به طور وارونه در مقابل تابوت عهد پیدا کردند. بعد از دومین شب، فلسطینیان دوباره داجون را به طور وارونه پیدا کردند. اما این بار، درست مانند ارتش‌های بشری باستان که اغلب سر و دست دشمنان مغلوب خود را قطع می‌کردند، دست‌ها و سر داجون بریده شده بود. خداوند همچنین مردم اشدود را به دمل‌ها و احتمالاً طاعون خیارکی مبتلا کرد که توسط جوندگان منتشر می‌شود. هنگامی که فلسطینیان تابوت عهد را به شهرهای جت و عقرون بردند نیز او همین کار را انجام داد. بعد از هفت ماه، فلسطینیان با کاهنان و پیشگویان‌شان مشورت کردند. آنها توصیه کردند که تابوت عهد را بر روی یک گاری که توسط گاوها - نمادی از مذهب باروری آنها - کشیده می‌شد، برگردانند. و به عنوان قربانی جرم به حضور خداوند، توصیه کردند که پنج تمثال طلائی دمل و پنج تمثال طلائی موش نیز به نمایندگی از پنج شهر فلسطینی فرستاده شود.

وقتی فلسطینی‌ها می‌بینند که تابوت عهد خدا می‌آید، در واقع مبهوت می‌شوند. می‌گویند: «اوه! این تابوت عهد خداوند است که باعث همه آن بلاها بر ضد مصر شد و آنها را از مصر نجات داد.» و، در حقیقت، حق کاملاً با فلسطینی‌هاست. اما فلسطینی‌ها می‌گویند: «خوب با همه این اوصاف، بیایید برویم و سعی کنیم با آنها بجنگیم.» بدین ترتیب فلسطینی‌ها در این مورد حق داشتند که ترسیدند، چون این تابوت خدا بود که خروج بزرگ را رقم زده بود. اما آنچه که ما به عنوان خوانندگان می‌دانیم، این است که خدایی که خروج قوم از مصر را سبب شد، از قوم خودش خشنود نبود. بنابراین، فلسطینی‌ها موفق می‌شوند که اسرائیلیان را شکست بدهند و تابوت را هم تصاحب کنند... شاید آن تابوت عهد واقعا به این خدای بزرگی که می‌تواند خروج را به وجود بیاورد مرتبط نباشد. اما در حقیقت، می‌بینیم که بر عکس است. بله، خدا اجازه داد که تابوت عهد به تصاحب آنها در بیاید. اما همین که تابوت عهد وارد قلمرو فلسطین شد، فکر می‌کنید چه اتفاقی افتاد؟ فلسطینی‌ها بلا یایی را تجربه کردند که مصری‌ها تجربه کرده بودند. بنابراین، چیزی که می‌بینیم این است که موضوع تصاحب تابوت عهد توسط فلسطینی‌ها، یادآور رفتار خدا در کتاب خروج است.

- دکتر اندرو ابرنتی

گاوها تابوت عهد را نزد اسرائیلیان در بیت شمس، یک شهر کهناتی، بردند. اما متأسفانه، کاهنان بیت شمس نیز از مقررات خدا برای پرستش تخطی کردند. آنها بر خلاف شریعت موسی، تمثال‌های طلایی دمل و موش فلسطینی‌ها را در حضور تابوت عهد خدا نگه داشتند. و به جای تابوت را با احترام بپوشانند، به آن یا احتمالاً «داخل» آن نگاه کردند. در نتیجه، خدا ۷۰ مرد را در بیت شمس کشت و قوم عزادار شدند. سپس، اسرائیلیان تابوت را به قریه یعاریم فرستادند تا در آنجا محفوظ باشد. حتی با اینکه تابوت برگشته بود، اما ۷:۲ بر این حقیقت تأکید می‌کند که کل قوم اسرائیل در آن زمان همچنان تحت لعنت خدا رنج می‌کشیدند. در این آیه می‌خوانیم:

و از روزی که تابوت در قریه یعاریم ساکن شد، وقت طول کشید تا بیست سال گذشت. و بعد از آن خاندان اسرائیل برای پیروی خداوند جمع شدند (اول سموئیل ۷:۲).

در قسمت بعدی، در ۷:۳-۱۷ درباره پیروزی اسرائیل بر فلسطینیان می‌آموزیم. همانطور که می‌توانیم انتظار داشته باشیم، نویسنده ما بر خدمت وفادارانه سموئیل به عنوان دلیل این پیروزی تأکید کرد. سموئیل ابتدا به اسرائیلیان التماس کرد که با کنار گذاشتن خدایان بیگانه خود، نزد خداوند برگردند. او اعلام کرد که اگر دل‌های خود را به سمت خدا مایل بسازند و فقط به او خدمت کنند، خداوند آنها را از چنگ فلسطینیان نجات خواهد داد. اسرائیلیان خود

را در حضور خدا فروتن ساختند و از تعدی‌های خود نسبت به مقررات پرستشی موسی توبه کردند. بنابراین، سموئیل از طرف آنها به حضور خدا دعا کرد. هنگامی که فلسطینی‌ها برای جنگ جمع شدند، قوم در حضور سموئیل آه و فغان کردند. سموئیل بر اساس شریعت موسی قربانی گذرانید و خدا به اسرائیلیان بر فلسطین پیروزی بخشید. در ۷: ۱۳ می‌خوانیم که: «پس فلسطینیان مغلوب شدند، و دیگر به حدود اسرائیل داخل نشدند، و دست خداوند در تمامی روزهای سموئیل بر فلسطینیان سخت بود.» و تا زمانی که سموئیل به زادگاه خود رانده برگشت و در آنجا مذبحی برای خداوند ساخت، پرستش وفادارانه او همچنان باعث برکت برای اسرائیل می‌شد.

این آخرین بخش از انتقال اسرائیل در راهبری کهناتی، هر پرستی در مورد انتقال اقتدار کهناتی از خانواده عیلی به سموئیل را حل کرد. لعنت خدا بر خانواده عیلی به دلیل تحقیر پرستش خدا، تمام قوم اسرائیل را به شکست کشانده بود. اما برکات خدا به سموئیل برای خدمت وفادارانه در پرستش و در حضور خدا، منجر به پیروزی اسرائیل شد. خود خدا سموئیل را پرورش داد تا اسرائیل را به پادشاهی، و به طور خاص، داوود را به عنوان پادشاه معرفی کند. پس از نگاه به ساختار و محتوای مقدمه سموئیل بر پادشاهی، باید اکنون به کاربرد مسیحی این بخش از کتاب‌مان نگاه کنیم. این باب‌ها چگونه باید بر زندگی پیروان مسیح تاثیر بگذارند؟

کاربرد مسیحی

خیلی اوقات، مسیحیان خوش‌نیت این بخش از کتاب سموئیل را صرفاً به شکلی بی‌هدف می‌خوانند تا زمانی که به یک اصل الاهیاتی یا اخلاقی برسند که به راحتی با تجربیات مسیحی شخصی آنها مطابقت پیدا کند. حال، بخش اول کتاب ما به موضوعات بی‌شماری می‌پردازد. بنابراین، به خودی خود هیچ ایرادی ندارد که چنین رویکردی به این باب‌ها داشته باشیم. اما برای اطمینان از اینکه رویکرد اشتباهی به این باب‌ها نداشته باشیم، در برخی مواقع باید کاربردهای مسیحی خود را با مضامینی هماهنگ کنیم که نویسنده سموئیل بر آنها تاکید کرده است.

به عبارت ساده، کاربردهای مسیحی مقدمه سموئیل بر پادشاهی باید با تاکیدات نویسنده‌مان بر عهدهای خدا و پادشاهی خدا همسو باشد. هر دوی این مضامین، راهنمایی‌های مهمی در مورد ارتباط این باب‌ها با زندگی ما ارائه می‌دهند. بیایید ابتدا ببینیم که چطور این موضوع در مورد تاکید نویسنده ما بر عهدهای خدا صحت دارد.

عهدهای خدا

همانطور که در درس قبلی‌مان اشاره کردیم، نویسنده سموئیل از شش عهد اصلی الاهی آگاه بود: عهدهای خدا با تمام بشریت در آدم و نوح؛ عهدهای او با قوم اسرائیل در ابراهیم، موسی، و داوود؛ و عهدی تازه که توسط ارمیا و انبیای دیگر پیشگویی شده بود، که خدا با اسرائیل و یهودا پس از بازگشت از تبعید منعقد می‌ساخت.

اکنون، در این درس دیدیم که وقایع مقدمه سموئیل بر پادشاهی در زمانی رخ دادند که عهد خدا با موسی به طور کامل اجرا می‌شد. اما باید در نظر داشته باشیم که وقتی کتاب سموئیل نوشته شد، خدا با داوود نیز عهد بسته بود. به همین دلیل، نویسنده ما از مخاطبان اولیه خود انتظار داشت آنچه را که در این بابها نوشته است، در پرتو داوود و خاندان او به کار بگیرند.

اما زمانی که پیروان مسیح مقدمه سموئیل بر پادشاهی را به کار می‌بندند، باید یک قدم جلوتر برویم. ما در زمانی زندگی کرده‌ایم که خدا عهد تازه با مسیح را منعقد ساخت. و این عهد تازه، پویایی عهدهای پیشین خدا را که با موسی و داوود منعقد ساخته بود، مجدداً تنظیم می‌کند. این تنظیم مجدد به قدری اهمیت دارد که ما به یک راهنمای قابل اعتماد نیاز داریم. ما برای به‌کارگیری هر سخاوتمندی الهی، هر الزام به وفاداری بشری، و هر لعنت و برکتی که در مقدمه سموئیل بر پادشاهی ثبت شده است، به مکاشفه مصون از خطای روح القدس در عهد جدید نیاز داریم.

در وهله اول، عهد جدید به ما تعلیم می‌دهد که هر سخاوت الهی در بخش اول سموئیل، با سخاوت خدا در مسیح جایگزین شد. خدا از رحمت خود، سموئیل را پرورش داد تا اسرائیل را از رنج او در دوره داوران نجات بدهد. اما زمانی که خدا مسیح را فرستاد، سخاوت بیشتری نشان داد. مسیح در حیات، مرگ، و رستاخیز خود قوم خدا را از قرن‌ها رنج و جفا نجات بخشید. و به نجات بخشیدن قوم خود تا انتهای عالم ادامه می‌دهد. به علاوه، مداخله مهربانانه خدا در روزگار سموئیل، با انواع رحمت‌های ویژه در زندگی هر اسرائیلی سرازیر شد. و ما به عنوان پیروان مسیح، در حالی که به کاوش در سخاوتمندی خدا در زمان سموئیل می‌پردازیم، می‌توانیم راه‌های مختلفی را ببینیم که خدا هر روزه مهربانی خود را به ما نشان می‌دهد.

در وهله دوم، الزام خدا به وفاداری بشر در مقدمه سموئیل بر پادشاهی، در مورد عصر عهد تازه نیز کاربرد دارد. ابتدا متوجه اطاعت کامل خود مسیح می‌شویم. قصورهای فننه، پسران عیلی، و اسرائیلیانی که تحت تاثیر پسران عیلی قرار داشتند در تقابلی چشمگیر با پرستش حقیقی و وفادارانه مسیح قرار می‌گیرد. و پرستش وفادارانه که حنا، سموئیل، و قوم اسرائیل تحت تاثیر سموئیل انجام دادند، پیش‌سایه‌ای از پرستش عالی‌تر و بی‌نقص‌تر خدا از سوی مسیح بود. با این حال، دقیقاً مانند مخاطبان اولیه سموئیل که معیارهای پرستش وفادارانه موسی را در زندگی خود به کار می‌بردند، ما نیز خوانده شده‌ایم تا معیار پرستش عهد جدید را در زندگی خود به کار ببریم. خدا از کلیسای مسیح انتظار دارد که از طریق پرستش حقیقی و وفادارانه، وفاداری قدرشناسانه بشری را ابراز کند. همانطور که عیسی در یوحنا ۴: ۲۳ گفت: «پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است.»

در وهله سوم، لعنت‌های خدا برای نافرمانی و برکت‌های او برای اطاعت در این بابها باید همچنین از دریچه عهد جدید دیده شود. لعنت‌های خدا در این بخش به مخاطبین اولیه علیه نقض اصول پرستش خدا هشدار

داد. و به مسیح اشاره می‌کنند که اگرچه بی‌گناه بود، اما به نمایندگی از تمام کسانی که به سوی ایمان نجات‌بخش در او می‌آیند، متحمل لعنت‌های ابدی خدا شد. امروز، خدا همچنان برای تادیب کلیسای خود و جلب او به سوی خویش، لعنت‌های موقتی را نازل می‌کند. به طریق مشابه، برکات موقتی که در این بخش از کتاب سموئیل دیده می‌شوند نیز هر اسرائیلی را به پرستش وفادارانه تشویق می‌کرد. این برکات، ما را به برکات عظیم‌تر و ابدی که خود مسیح از خدا دریافت کرد رهنمون می‌شوند. اما در عین حال، نباید مفاهیم برکات خدا در این بخش از کتاب سموئیل برای زندگی روزمره خودمان را نادیده بگیریم. همانطور که خدا حنا، سموئیل، و همه اسرائیل را برای اطاعت وفادارانه آنها برکت داد، عهد جدید نیز به ما تعلیم می‌دهد که مسیح برکاتی موقت برای پاداش به کلیسای خود می‌دهد. و این برکات موقت، به پیروان وفادار مسیح امکان می‌دهد که طعم برکات ابدی‌ای که در جهان آینده دریافت خواهیم کرد را بچشیم.

همانطور که دیدیم، مهم است که کاربردهای مسیحی‌مان از مقدمه سموئیل بر پادشاهی را به سوی عهدهای خدا سوق بدهیم. اما باید همچنین هدف نویسنده‌مان برای پیشبرد ملکوت خدا را نیز در نظر داشته باشیم.

پادشاهی خدا

این اولین بخش از کتاب سموئیل نشان می‌دهد که خود خدا تولد سموئیل را مدیریت کرد و او را به عنوان راهبر اسرائیل برای پیشبرد پادشاهی خدا ارتقا داد. همانطور که می‌دانیم، سموئیل بعداً داوود را به عنوان پادشاه مسح کرد. و حکمرانی عادلانه خاندان داوود بود که روزی به چیرگی پر جلال پادشاهی خدا بر کل جهان منجر می‌شد. عهد جدید تعلیم می‌دهد که عیسی، پسر کاملاً عادل داوود، این چیرگی پر جلال پادشاهی خدا را محقق می‌سازد. با این حال، او این امید را به روش‌های غیر منتظره‌ای برآورده می‌سازد. همانطور که در درس قبلی‌مان آموختیم، عیسی پادشاهی خدا را در سه مرحله بر زمین محقق می‌سازد: تاسیس پادشاهی‌اش در اولین ظهور خود، تداوم پادشاهی‌اش در طول تاریخ کلیسا، و تکمیل پادشاهی‌اش در زمانی که با جلال برگردد. این دیدگاه سه جانبه به پادشاهی خدا در مسیح، نقشی حیاتی در ایمان عهد جدید ایفا می‌کند. به همین دلیل، هر کاربرد مسیحی از اولین بخش کتاب ما باید در پرتو هر سه مرحله پادشاهی مسیح در نظر گرفته بشود.

برای شروع، می‌توانیم ببینیم که چطور عیسی در تاسیس پادشاهی مسیح، تحقق مقدمه سموئیل بر پادشاهی را آغاز می‌کند. در روزگار سموئیل، خدا پادشاهی خود را از طریق راهبری او پیش برد. و در طی اولین ظهور عیسی، از طریق زندگی، مرگ، و رستاخیز او پادشاهی خود را به طور چشمگیری پیش برد. عیسی در مرگ خود بر صلیب، قاطعانه تسلط شریر بر اسرائیل و ملت‌ها را از بین برد. و زمانی که از مردگان برخاست، بر تمام آفرینش اقتدار یافت. عیسی در متی ۲۸: ۱۸، درست پیش از صعود خود با بیان اینکه «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است»، به شاگردانش اطمینان خاطر بخشید. از این منظر، آنچه خدا در اولین بخش کتاب سموئیل برای پادشاهی

خود انجام داد، باید ما را به سمت کارهای بزرگتری متوجه کند که مسیح در اولین جلوس خود بر تخت داوود به انجام رساند.

علاوه بر این، مسیح در تداوم پادشاهی‌اش در طول تاریخ کلیسا، مقدمه سموئیل بر پادشاهی را بیشتر و بیشتر محقق می‌سازد. همانطور که دیدیم، تولد سموئیل امید حتماً را احیا کرد که پادشاهی خدا شروع به گسترش تا چهارگوشه زمین خواهد کرد. و در طول دو هزاره، مسیح کلیسای خود را هدایت کرده و به آن قدرت بخشیده است تا پادشاهی خدا را بیشتر و بیشتر در سراسر جهان گسترش بدهد. همانطور که عیسی در متی ۲۸: ۱۹-۲۰ به شاگردان خود گفت، «رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند.» بنابراین، وقتی که مقدمه سموئیل بر پادشاهی را به کار می‌بندیم، باید چشمانمان را بر این بدوزیم که چطور مسیح از طریق قدرت روح‌القدس، پادشاهی خدا را از طریق کلیسای خود روز به روز گسترش می‌دهد.

در سرتاسر انجیل متی، می‌بینیم که عیسی پادشاهی آسمان را موعظه می‌کند، حکمرانی خدا را - این یکی دیگر از روش‌های یهودی برای ابراز حکمرانی خدا بود. و در عین حال، عیسی اقتدار یا حاکمیت خود بر زمین را از راه‌های مختلف نشان می‌دهد: شفای بیماران، اخراج ارواح، آرام کردن طوفان، و موارد دیگر... اما وقتی که در انتهای انجیل متی به اوج آن می‌رسید، آنجا عیسی می‌گوید، بعد از اینکه زنده شده و در شرف صعود به آسمان است، عیسی می‌گوید: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است.» و به این ترتیب، تفاوت این است که حالا که عیسی قیام کرده، او فرمانروای تمام عالم است. یکی از متونی که او مورد اشاره قرار داد، در مزمو ۱۱۰: ۱ است - «پهوه به خداوند من گفت: "به دست راست من بنشین تا دشمنان را پای انداز تو سازم."» - جایی که عیسی اکنون در دست راست پدر قرار دارد و حکمرانی می‌کند، و می‌گوید که این مسئله ادامه خواهد داشت که تا زمانی که همه دشمنان او زیر پای او قرار بگیرند.

- دکتر کریگ کینر

و البته، مقدمه سموئیل بر پادشاهی ما را فرا می‌خواند تا چشم به راه آنچه باشیم که مسیح در تکمیل پادشاهی خود انجام خواهد داد. این باب‌های کتاب سموئیل مخاطبین اولیه را فرا می‌خواندند تا به روزی بنگرند که خاندان داوود همه دشمنان خدا را نابود کنند و برکاتی بی‌پایان برای قوم خدا در سراسر جهان به ارمغان بیاورند. هنگامی که مسیح برگردد، پیروزی نهایی خود بر شیطان، دیوهای او، و هر بشری که در عصیان علیه خدا به آنها پیوسته باشد را به دست خواهد آورد. و فراتر از این، مسیح برکات ابدی پیروزی خود را بر قومش نازل خواهد کرد، زیرا آنها میراث خود در آسمان‌ها و زمین جدید را دریافت می‌کنند. همانطور که عیسی برای تشویق شاگردانش در

متی ۲۸: ۲۰ گفت: «اینک، من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم.» بدین ترتیب، هنگامی که مقدمه سموئیل بر پادشاهی را به کار می‌بندیم، ما نیز باید در عین حال که مشتاقانه در انتظار بازگشت پر جلال مسیح هستیم، چشمان خود را به آینده پادشاهی خدا بدوزیم.

پادشاهی شکست‌خورده شائول

نویسنده کتاب سموئیل در ادامه بازگویی اینکه چطور خدا پیش از به پادشاهی رسیدن داوود وقایع را هدایت کرده بود، با چالش دشواری روبرو شد. او باید با شائول چه می‌کرد؟ اگر امید پادشاهی خدا بر حکمرانی عادلانه خاندان داوود بود، پس چرا سموئیل ابتدا شائول را به پادشاهی اسرائیل مسح کرد؟ نویسنده ما با دقت فراوانی به این مسائل پرداخت. او اذعان کرد که خدا در ابتدا شائول را به عنوان پادشاه اسرائیل تایید کرد. اما همچنین به تفصیل توضیح داد که چرا خدا به طور دائمی، شائول و خاندان او را طرد کرد و داوود را جایگزین آنها ساخت.

ما پادشاهی شکست‌خورده شائول را به همان روشی بررسی خواهیم کرد که بخش اول کتاب سموئیل را مورد ارزیابی قرار دادیم. با ساختار و محتوای این بخش شروع می‌کنیم، و سپس درباره کاربردهای مسیحی آن صحبت می‌کنیم. بیایید به سراغ ساختار و محتوای پادشاهی شکست‌خورده شائول برویم.

ساختار و محتوا

روایت پادشاهی شائول به قدری پیچیده است که به راحتی می‌توان از مضامین اصلی که همه آن را به هم مرتبط می‌کند، غافل شد — یعنی مضامین پادشاهی خدا و عهدهای خدا. نخست، از بسیاری جهات، این باب‌ها به توضیح این مسئله اختصاص دارند که چرا خاندان داوود باید پادشاهی خدا در اسرائیل را راهبری کند. حال، نویسنده ما روشن ساخت که شائول از بسیاری جهات پادشاهی خدا را در اسرائیل گسترش داد. او اسباط را تحت اقتدار خودش متحد ساخت و اسرائیل را در چند پیروزی بر علیه دشمنان خدا راهبری کرد. اما در عین حال، اگرچه خدا با شائول بر دباری می‌کرد، اما طغیان شائول علیه خدا به حدی بود که خدا از او و پسرانش برای پادشاهی سلب صلاحیت کرد. به فرمان خود خدا، داوود به جای شائول اسرائیل را به سوی آینده پر جلال پادشاهی خدا راهبری می‌کرد.

دوم، نویسنده ما توضیح داد که چطور همه این رویدادها از منظر پویایی عهد خدا با موسی رخ دادند. او بارها اشاره کرد که چطور خدا در زمان پادشاهی شائول به اسرائیل سخاوتمندی نشان داد. اما او همچنین بر الزام خدا نسبت به وفاداری قدرشناسانه بشر نیز متمرکز شد. به طور خاص، او بر دو الزام اصلی تمرکز کرد: شریعت موسی در مورد پرستش، و شریعت موسی درباره پادشاهی. و او بارها و بارها نشان داد که چطور نقض شریعت موسی از سوی شائول منجر به لعنت‌های شدید خدا شد. و همچنین نشان داد که چطور اطاعت داوود از این قوانین به برکات

خدا منجر شد. نویسنده کتاب سموئیل در پایان این بخش جای هیچ شکی باقی نگذاشت که «خود خدا» شائول و خانواده او را به نفع داوود و خاندانش طرد کرده بود.

ساختار و محتوای پادشاهی شکست خورده شائول تقریباً مشابه بخش اول کتابمان است. نویسنده ما ابتدا در اول سموئیل ۸: ۱-۱۵: ۳۵ به سال‌های اولیه شائول پرداخت. سپس در اول سموئیل ۱۶: ۱ تا دوم سموئیل ۱: ۲۷ بر انتقال راهبری اسرائیل از شائول به داوود تمرکز کرد. ما به هر دو بخش نگاه خواهیم کرد، و از سال‌های اولیه شائول شروع می‌کنیم.

سال‌های اولیه شائول (اول سموئیل ۸: ۱-۱۵: ۳۵)

به نظر می‌رسد نویسنده کتاب سموئیل هیچ چیز قابل توجهی در مورد تولد و دوران کودکی شائول پیدا نکرده است. آنچه او درباره سال‌های اولیه شائول ثبت کرده، با جوانی شائول شروع می‌شود و سپس در اول سموئیل ۸: ۱-۱۲: ۲۵ به تعیین شائول از سوی خدا به عنوان پادشاه اسرائیل می‌پردازد. سپس، این روایت در اول سموئیل ۱۳: ۱-۱۵: ۳۵ مستقیماً به طرد شائول به عنوان پادشاه از سوی خدا می‌پردازد.

تعیین شائول (اول سموئیل ۸: ۱-۱۲: ۲۵). تعیین شائول به عنوان پادشاه شامل قسمت‌های مختلفی است که به چهار مرحله مقارن تقسیم می‌شوند. مرحله اول در ۸: ۱-۲۲ با هشدار اولیه سموئیل درباره پادشاهی و ماموریت خدا به او در مورد یافتن پادشاهی برای اسرائیل دیده می‌شود. این بخش آغازین با مشکلی بزرگ که اسرائیل با آن مواجه بود شروع می‌شود. سموئیل پیر شده بود و پسرانش حریص، نادرست، و ظالم بودند. بر خلاف سموئیل، پسران او نمی‌توانستند قوم خدا را به سمت پیروزی بر دشمنان هدایت کنند. بنابراین، مشایخ اسرائیل نزد سموئیل در رامه رفتند و یک پادشاه درخواست کردند که بر آنها حکمرانی کند. خدا در پاسخ به این درخواست، در اول سموئیل ۸: ۹ به سموئیل گفت:

آواز ایشان را بشنو لکن بر ایشان به تاکید شهادت بده، و ایشان را از رسم پادشاهی که بر ایشان حکومت خواهد نمود، مطلع ساز (اول سموئیل ۸: ۹).

بدین ترتیب، سموئیل در ۸: ۱۱-۱۷ هشدار طولانی درباره پادشاهی صادر کرد. در این متن، سموئیل از تشنیه ۱۷: ۱۴-۲۰ وام گرفت که موسی اقتدار پادشاهان آینده اسرائیل را به شدت محدود کرده بود. سموئیل هشدار داد که پادشاهان مستعد نقض این مقررات خواهند بود. پادشاهان با فرستادن پسران اسرائیل به جنگ، با وادار کردن آنها به شخم زدن و برداشت زمین‌های سلطنتی، با اجبار قوم به ساخت اسلحه و ادوات جنگی، با به‌کارگیری دختران‌شان به عنوان آشپز و عطرساز، با دزدیدن زمین‌های آنها، با درخواست ده یک از کل درآمدشان، با تصاحب

خدمتکاران و مردان جوان و خران و گله‌های آنها برای خود، بر اسرائیل ظلم می‌کردند. سموئیل در پایان هشدار داد که یک پادشاه بشری، تمام قوم خدا را بردگان خود خواهد ساخت. و سموئیل با این هشدار پایانی در ۸: ۱۸، سخن خود را به پایان برد که:

در آن روز از دست پادشاه خود که برای خویشتن برگزیده‌اید فریاد خواهید کرد و خداوند در آن روز شما را اجابت نخواهد نمود (اول سموئیل ۸: ۱۸).

در کتاب مقدس، زمانی که خدا آدم را آفرید، قرار بود آدم تحت حاکمیت خدا باشد و تسلیم اقتدار شاهانه او بشود. اما در زمان سموئیل، اسرائیلی‌ها دیدند که تمام اقوام اطراف آنها پادشاهانی داشتند، و بنابراین آنها هم یک پادشاه برای خودشان خواستند. و وقتی که خدا دید سموئیل از درخواست آنها ناراحت شده... از او خواست که ناراحت نباشد. او به سموئیل گفت: «تسلیم خواست مردم بشو. و بعد از شنیدن صدای شان... به آنها بگو که انتخاب یک پادشاه به معنای این است که مالیات و جنگ با ملت‌های دیگر وجود خواهد داشت. پادشاهانی که مردم انتخاب می‌کنند، هر نوع باری را به آنها تحمیل می‌کنند.» مردم باید متوجه این باشند... و به پادشاه یادآوری می‌کند که باید به شریعت خدا پایبند باشد، به این معنا که پادشاه مرزهایی خواهد داشت که او را محدود کنند. بنابراین، خدا به ما نشان می‌دهد که مقامات بشری باید در حضور خدا خوددار باشند... به خدا احترام بگذارند، و به مردم‌شان محبت کنند. به همین دلیل است که بعد از انتخاب شائول به پادشاهی، خدا او را طرد کرد - چون او به خدا احترام نگذاشت.

- کشیش دکتر استفان تانگ

حال به یاد دارید که نویسنده کتاب سموئیل در آنچه از مقدمه سموئیل بر پادشاهی ثبت کرد، بر مقررات موسی برای پرستش تاکید داشت. و خواهیم دید که او این تاکید بر پرستش را در بخش دوم کتاب نیز تکرار کرده است. اما نویسنده ما با تمرکز بر هشدارهای سموئیل به اسرائیل در آغاز گزارش خود از حکمرانی شائول، جنبه دومی از شریعت موسی را وارد صحنه کرد: یعنی فرامین خدا به پادشاه اسرائیل. این جنبه از شریعت موسی نقشی اساسی در گزارش نویسنده‌مان از پادشاهی شکست‌خورده شائول ایفا کرد.

با وجود اینکه نویسنده ما به اسرائیل هشدار داد که پادشاه‌شان با آنها بدرفتاری خواهد کرد، اما مرحله دوم این بخش سخاوتمندی خدا را نشان می‌دهد. نویسنده در ۹: ۱-۱۰: ۱۶ از تصدیق سموئیل و تایید خدا بر شائول به عنوان پادشاه گزارش داد. خداوند سموئیل را به سوی شائول هدایت کرد و به او فرمان داد که در یک مراسم خصوصی، شائول را مسح کند. همانطور که در ۱۰: ۱ می‌خوانیم، سموئیل به شائول گفت: «آیا این نیست که خداوند

تو را مسح کرد تا بر میراث او حاکم شوی؟» و فراتر از این، خدا همچنین مسح شائول را با چند نشانه معجزه‌آسا تایید کرد.

سومین مرحله تعیین شائول، سخاوتمندی خدا را بیش از پیش نشان می‌دهد. آیات ۱۰: ۱۷-۱۱: ۱۳ از تصدیق ملی شائول به عنوان پادشاه و تایید خدا گزارش می‌دهند. برخی گروه‌ها در اسرائیل شک داشتند که شائول باید پادشاه بشود. اما خدا شائول را توان بخشید تا همه اسباط اسرائیل را متحد، و آنها را در پیروزی بر بنی‌عمون راهبری کند. و همه در اسرائیل، کاملاً از شائول پشتیبانی می‌کردند.

با این وجود، علیرغم رحمت عظیمی که خدا در این دوره به شائول و اسرائیل نشان داد، چهارمین مرحله این بخش، انعکاس هشدارهای اولیه سموئیل است. نویسنده ما در ۱۱: ۱۴-۱۲: ۲۵ این بخش را با هشدارهای نهایی سموئیل درباره پادشاهی و تحقق ماموریتی که خدا به او داده بود به پایان برد. سموئیل اسرائیل را فرا خواند تا به سخاوتمندی خدا نسبت به خودشان اذعان کنند. او همچنین به آنها هشدار داد تا با وفاداری قدرشناسانه به رحمت خدا پاسخ بدهند. همانطور که در ۱۲: ۲۴ و ۲۵ بیان می‌کند: «در کارهای عظیمی که [خدا] برای شما کرده است، تفکر کنید. و اما اگر شرارت ورزید، هم شما و هم پادشاه شما، هلاک خواهید شد.»

طرد شائول (اول سموئیل ۱۳: ۱-۱۵: ۳۵). هشدار شوم سموئیل در پایان تعیین شائول به عنوان پادشاه، زمینه‌ساز رویدادهای بعدی است. در ۱۳: ۱-۱۵: ۳۵ درباره طرد شائول به عنوان پادشاه از طرف خدا می‌خوانیم. نویسنده کتاب سموئیل در سرتاسر این آیات بارها یادآور شد که چطور شائول قوانین خدا در مورد پرستش و فرامین او برای پادشاهان اسرائیل زیر پا گذاشت. و در نتیجه، خدا لعنت‌های عهد خود را نازل ساخت و شائول و فرزندان او را از تخت پادشاهی اسرائیل طرد کرد.

گزارش نویسنده ما از طرد شائول شامل بخش‌های متعددی است که به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: طرد اولیه شائول در اول سموئیل ۱۳: ۱-۱۴: ۵۲ و طرد نهایی شائول در ۱۵: ۱-۳۵. ما در طرد اولیه شائول، شاهد مجموعه‌ای از جنگ‌های بین شائول و فلسطینیان هستیم. این جنگ‌ها با حمله اولیه اسرائیل به فلسطینی‌ها در ۱۳: ۱-۴ شروع می‌شوند. بلافاصله، تصویری کوتاه از دل شائول و بدرفتاری او با قوم خدا را می‌بینیم که در حالی که خودش در فاصله‌ای ایمن از جبهه قرار داشت، قوم را به جنگ فرستاد. و علاوه بر این، وقتی که یوناتان پسر شائول راهبری یکی از پیروزی‌ها بر فلسطینیان را بر عهده داشت، شائول این پیروزی را به نام خودش اعلام کرد.

گزارش نویسنده ما بعد از حمله اولیه اسرائیل، در ۱۳: ۵-۱۵ از تدارک اسرائیل برای ضد حمله فلسطینیان خبر می‌دهد. شائول قوم را فرا خواند تا برای جنگ آماده باشند، اما مردم ترسیدند و در غارها و بین صخره‌ها پنهان شدند. هنگامی که لشکر در حال پراکنده شدن بود، شائول وحشت‌زده شد و در تقابلی مستقیم با دستورات سموئیل، قربانی‌های سوختنی و سلامتی به خدا تقدیم کرد. سموئیل به شائول دستور داده بود که منتظر رسیدن او برای انجام قربانی پیش از جنگ باشد. اما شائول ترجیح داد که به جای آنکه لشکرش را به خداترسی و تکیه بر خدا برای

محافظت هدایت کند، خودش قربانی را انجام بدهد. زمانی که سموئیل در نهایت رسید، کلام داوری خدا را اعلام کرد، چون شائول از قوانین پرستش خدا تخطی کرده بود. در ۱۳: ۱۴ سموئیل اینطور به شائول می‌گوید:

«لیکن الآن سلطنت تو استوار نخواهد ماند و خداوند به جهت خویش مردی موافق دل خود طلب نموده است، و خداوند او را مامور کرده است که پیشوای قوم وی باشد، چونکه تو فرمان خداوند را نگاه نداشتی» (اول سموئیل ۱۳: ۱۴).

گزارش نویسنده ما از طرد اولیه شائول با نبرد متعاقب اسرائیل و فلسطینیان در ۱۳: ۱۶-۱۴: ۴۶ ادامه پیدا می‌کند. در شروع، متوجه روش دیگری می‌شویم که شائول از اقتدار سلطنتی خود سوءاستفاده کرد. او، عاری از حس مسئولیت، از تهیه شمشیر و نیزه برای لشگر خود غفلت کرد. او تنها برای خودش و پسرش یوناتان شمشیر تهیه کرد.

نویسنده ما همچنین اشاره می‌کند که شائول در ابتدا از صحنه نبرد دور ماند. تنها پس از اینکه یوناتان با ایمان قوی به خدا وارد عمل شد و فلسطینیان را وحشت‌زده کرد، شائول وارد جنگ شد. اما حتی در آن زمان هم شائول قوانین پرستش خدا را نقض کرد. شائول از اخیای کاهن خواست که تابوت عهد خداوند را نزد او بیاورد تا بتواند برای جنگ آماده شود. اما هنگامی که به نظر رسید حمله فلسطینیان قریب‌الوقوع است، شائول کاهن را متوقف کرد و بدون آمادگی لازم به جنگ شتافت.

شائول به سوءاستفاده بیشتر از لشگر خود ادامه داد. او به قدری مشتاق تعقیب فلسطینیان بود که هر سربازی که برای غذا خوردن توقف کند را لعنت کرد. اما یوناتان — که از این تهدید بی‌خبر بود — کمی عسل خورد. بعد از اینکه سربازان شائول او را به این خاطر سرزنش کردند، یوناتان اشاره کرد که چقدر نابخردانه عمل کرده است. یوناتان در ۱۴: ۲۹-۳۰ گفت: «پدرم زمین را مضطرب ساخته است... اگر امروز قوم از غارت دشمنان خود که یافته‌اند بی‌ممانعت می‌خوردند، آیا قتال فلسطینیان بسیار زیاد نمی‌شد؟»

پس از جنگ، اصرار شائول بر غذا نخوردن سربازانش منجر به یک تخطی جدی دیگر از قوانین پرستش شد. مردان شائول به قدری گرسنه بودند که با عجله، حیواناتی که از غنایم به دست آمده بودند و به خون آغشته بودند را خوردند — یعنی عملی که به شدت در لایوان ۱۷: ۱۰ ممنوع شده است. تنها پس از آنکه به شائول یادآوری شد که این عمل شریعت خدا را نقض کرده، او برای مردان خود مذبحی بنا کرد تا حیوانات را به همان شکلی که خدا دستور داده بود ذبح کنند. و نویسنده ما با اظهار نظری در ۱۴: ۳۵، تلاش‌های شائول را با بیان این جمله که «این مذبح اول بود که برای خداوند بنا نمود» کم‌اهمیت نشان داد.

در آن زمان، شائول سرانجام از خدا درخواست راهنمایی کرد، اما مطابق ۱۴: ۳۷، «[خدا] در آن روز او را جواب نداد.» حال با کمک کاهنان، شائول متوجه شد که خدا از آن جهت به او پاسخ نمی‌دهد که یوناتان سوگند ابلهانه‌ای که شائول از لشگر خود خواسته بود را زیر پا گذاشت. شائول یک بار دیگر حکمرانی ظالمانه خود را با صدور دستور مرگ یوناتان – که فرماندهی جنگ را بر عهده داشت – آشکار ساخت. تنها از آن جهت که سربازان فدیهای برای یوناتان پرداخت کردند، شائول از اعدام او صرف نظر کرد.

نویسنده کتاب سموئیل نهایتاً در ۱۴: ۴۷-۵۲ گزارش خود از طرد اولیه شائول را با خلاصه‌ای از جنگ‌های دوران پادشاهی او و افسرانی که لشگر او را فرماندهی کردند، به پایان برد. اما او این یادداشت شوم را در آیه ۵۲ اضافه کرد: «در تمامی روزهای شائول با فلسطینیان جنگ سخت بود.» بر خلاف پیروزی‌هایی که خدا به سموئیل بخشیده بود، او آنچنان شائول را طرد کرده بود که وی هرگز نتوانست فلسطینیان را قاطعانه شکست بدهد. و همچنین علاوه بر این، در آیه ۵۲ می‌خوانیم که: «هر صاحب قوت و صاحب شجاعت که شائول می‌دید، او را نزد خود می‌آورد.» درست همانطور که سموئیل هشدار داده بود، شائول با سربازگیری تا جای ممکن برای جنگ‌های بی‌پایانش، بر قوم خدا ظلم کرد.

نویسنده ما پس از گزارش طرد اولیه سموئیل از سوی خدا، در ۱۵: ۱-۳۵ که از جنگ شائول با عمالیقی‌ها گزارش داد به طرد نهایی شائول پرداخت. بر اساس خروج ۱۷: ۱۴-۱۶ و اعداد ۲۴: ۲۰، خدا دستور به نابودی کامل عمالیقی‌ها داده بود چون آنها باعث مشکلات فراوانی برای اسرائیل در روزگار موسی شده بودند. و سموئیل پیش از آنکه شائول را به جنگ بفرستد، صریحاً این فرمان الهی که در شریعت موسی قید شده بود را به او یادآوری کرد. اما شائول پس از کسب یک پیروزی عظیم بر عمالیقی‌ها، از فرمان خدا پیروی نکرد. مطابق ۱۵: ۹، شائول و مردان او مایل نبودند که بهترین غنایم جنگی را از بین ببرند. در عوض «هر چیز خوار و بی‌قیمت را بالکل نابود ساختند.» همانطور که در مجموعه دروس دیگر توضیح داده‌ایم، عبارت «سپرده شده برای نابودی» ترجمه فعل عبری خارام (חרם) است. این اصطلاح نشان می‌دهد که هر آنچه خدا در جنگ‌های اسرائیل خواستار نابودی آنها بود، یک قربانی پرستشی از شکرگزاری به خدا بود. اما شائول در این مرحله از زندگی خود به قدری از پرستش خدا فاصله گرفته بود که نه تنها بهترین غنایم را از خدا دریغ کرد، بلکه از آیه ۱۲ متوجه می‌شویم که بنای یادبودی هم برای خودش ساخت. و هنگامی که شائول و سموئیل روبرو شدند، شائول به دروغ لشگرش را برای این موضوع مورد ملامت قرار داد. بنابراین، در ۱۵: ۲۸، سموئیل درست همانطوری که خدا دستور داده بود، این سخنان مهم را به شائول بیان کرد:

«امروز خداوند سلطنت اسرائیل را از تو پاره کرده، آن را به همسایه‌ات که از تو بهتر است، داده است» (اول سموئیل ۱۵: ۲۸).

و سموئیل در آیه ۲۹ اضافه کرد که داوری خدا تغییرناپذیر است:

«جلال اسرائیل دروغ نمی‌گوید، و تغییر به اراده خود نمی‌دهد زیرا او انسان نیست که به اراده خود تغییر دهد» (اول سموئیل ۱۵: ۲۹).

شائول به عنوان یک پادشاه شکست خورده، و پادشاهی او هم به دلیل فقدان ویژگی‌ها و صلاحیت‌های روحانی لازم، شکست خورد. او از نظر مهارت‌ها و توانایی‌ها، برخی از شرایط خارجی را داشت. اما قلبش را به خداوند تسلیم نکرد و از سخنان خداوند پیروی نکرد. برای مثال، یک رویداد مهم و حیاتی وجود دارد که خداوند او را به جنگ با عمالیقی‌ها فرستاد و به او گفت که همه آنها را به نابودی بسپارد. در آن زمان کاملاً روشن بود که سپردن عمالیقی‌ها به نابودی چه معنایی دارد. اما شائول این کار را انجام نداد. در عوض او به پادشاه آنها امان داد و بهترین گوسفندان را برای خودش برداشت. وقتی سموئیل پیش او آمد و درباره این امور سوال کرد، شائول نافرمانی خودش را با بهانه‌های ضعیفی توجیه کرد که هیچ معنایی نداشتند. بنابراین، خدا گفت: «او از پیروی من برگشته و فرامین من را انجام نداده است.» اینها کلام خداوند بودند. مانند این بود که خدا می‌گفت «من او را طرد کردم چون او مرا طرد کرد.» شائول یک فرد سرکش بود، و سموئیل درباره سرکشی خیلی صریح و واضح بود. او گفت: «تمرد مثل گناه جادوگری است.» شائول فرد سرکش و متکبری بود. او تسلیم فرمان‌های خدا نشد و اراده خدا را انجام نداد، از همین رو خدا نیز او را از پادشاهی طرد کرد.

– کشیش دکتر عماد میکائیل

اگرچه شائول تظاهر به توبه و طلب بخشش کرد، اما طرد او قطعی بود. بعد از آنکه سموئیل پادشاه عمالیقی‌ها را به شمشیر سپرد، شائول را ترک کرد و دیگر هرگز او را ندید. خدا سال‌های زیادی به شائول سخاوتمندی نشان داده بود، اما شائول آنقدر نسبت به خدا بی‌وفایی کرده بود که دیگر نمی‌توانست پادشاه باشد. ما دیدیم که خدا چطور شائول را در سال‌های اولیه او به عنوان پادشاه تعیین و طرد کرد. اکنون بیابید به موضوع انتقال راهبری سلطنتی از شائول به داوود در اول سموئیل ۱۶: ۱ تا دوم سموئیل ۱: ۲۷ بپردازیم.

انتقال در راهبری (اول سموئیل ۱۶: ۱ تا دوم سموئیل ۱: ۲۷)

بسیار شبیه به انتقال از خانواده عیلی به سموئیل در بخش اول کتاب‌مان، این باب‌ها نیز به ارائه تعدادی از مقایسه‌های بین شائول و داوود می‌پردازند و توضیح می‌دهند که چرا داوود به جای شائول پادشاه شد.

برای درک اهمیت این باب‌ها، باید به خاطر داشته باشیم که در دنیای باستان کاملاً رایج بود که جنگاوران جوان‌تر و موفق، فرماندهی شورش علیه پادشاهان خود را به عهده بگیرند. بنابراین، طبیعی بود که بسیاری در اسرائیل تصور کنند که داوود فرماندهی شورش علیه شائول را بر عهده داشته است. اما نویسنده ما روایت خود را در این باب‌ها به درستی ثبت کرد. داوود علیه شائول قیام نکرده بود. بلکه کاملاً برعکس، داوود حتی در زمانی که شائول با او به دشمنی پرداخت، خدمتکاری فروتن برای او باقی ماند. پس چطور داوود به جای شائول، پادشاه اسرائیل شد؟ نویسنده ما توضیح داد که این، کار خدا بود. خود خدا شرایط این مردان را با لعنت شائول به دلیل سرکشی و برکت داوود به دلیل خدمت فروتنانه، معکوس ساخت.

گزارش نویسنده ما از لعنت‌ها و برکت‌های معکوس‌کننده خدا در طی این انتقال راهبری، به چهار مرحله اصلی تقسیم می‌شود: پیشینه دشمنی شائول با داوود در ۱۶: ۱-۲۳؛ تشدید دشمنی شائول با داوود در ۱۷: ۱-۲۳؛ فروکش دشمنی شائول در ۲۳: ۲۹-۳۷؛ ۱۲؛ و عواقب دشمنی شائول در اول سموئیل ۲۸: ۱ تا دوم سموئیل ۱: ۲۷.

پیشینه دشمنی (اول سموئیل ۱۶: ۱-۲۳). اولین مرحله - یعنی پیشینه دشمنی شائول - نیروهای روحانی فعال در پس هر آنچه در این باب‌ها رخ می‌دهد را آشکار می‌سازد. در اولین قسمت، ۱۶: ۱-۱۳ به داوود و روح خدا می‌پردازد. در این قسمت، خدا سموئیل را فرا خواند تا از موطن خودش در رامه به بیت لحم سفر کند که در آنجا روند انتخاب داوود به عنوان پادشاه جدید اسرائیل را آغاز کرد.

خدا با دستور به سموئیل برای مسح داوود به پادشاهی در یک مراسم خصوصی، داوود را برکت داد. و زمانی که داوود مسح شد، برکت چشمگیر دیگری بر او نازل شد. در ۱۶: ۱۳ می‌خوانیم که «از آن روز به بعد روح خداوند - روآخ یهوه (רוח יהוה) در عبری - بر داود مستولی شد. نویسنده کتاب سموئیل روشن ساخت که روح خدا منبع بسیاری از کارهای خوب داوود بود که «از آن روز به بعد» انجام داد. نویسنده ما در ۱۶: ۱۸، ۱۸: ۱۲، ۱۴ و ۲۸، این دیدگاه را با تاکید صریح بر این واقعیت که خداوند در آن لحظات مهم همراه داوود بود، تقویت کرد.

دومین قسمتی که به پیشینه دشمنی شائول می‌پردازد، با گزارش درباره شائول و روح پلید در ۱۶: ۱۴-۲۳، تضاد چشمگیری ایجاد می‌کند. این آیات بر زمانی تمرکز دارند که داوود برای خدمت به شائول، به شهر جبعه، پایتخت او آمد. دقیقاً نمی‌توانیم مطمئن باشیم که این رویدادها چه زمانی رخ داده‌اند، چون شائول در قسمت بعدی داوود را شناخت.

شروع روایت در ۱۶: ۱۴ از دو لعنتی به ما می‌گوید که در این زمان گریبانگیر شائول بودند: «روح خداوند از شائول دور شد، و روح بد از جانب خداوند - یا آنگونه که در زبان عبری بیان شده، «روح شریر» - او را مضطرب می‌ساخت.» بعدتر در این باب‌ها، نویسنده ما صریحاً به آثار این لعنت‌ها اشاره کرد. ترک شائول توسط روح القدس باعث ترس او در ۱۸: ۱۲ شد و روح شریر در ۱۸: ۱۰ و ۹: ۱۹ شائول را به جنون کشاند. همانطور که نویسنده کتاب

سموئیل نیز اشاره می‌کند، مردان شائول داوود را نزد او آوردند تا زمانی که روح شریر او را عذاب می‌داد، به شائول کمک کند. مردان شائول داوود را به عنوان نوازنده‌ای ماهر، جنگجویی شجاع، و سخنوری فصیح توصیف کردند. اما مهم‌تر از همه، آنها گفتند که بر خلاف شائول، خداوند با داوود بود. نویسنده ما این تضاد بین شائول و داوود را در پایان این قسمت، با گزارش این مورد که روح شریر عذاب‌دهنده شائول زمانی که داوود بربط می‌نواخت او را ترک می‌کرد، مورد تایید قرار داد.

تشدید دشمنی شائول (اول سموئیل ۱۷: ۱-۲۳: ۲۸). دومین مرحله انتقال از شائول به داوود بر برکات و لعنت‌های خدا در طی دوره تشدید دشمنی شائول با داوود در ۱۷: ۱-۲۳: ۲۸ تمرکز دارد. این آیات با روایتی شروع می‌شوند که دشمنی اولیه شائول را در ۱۷: ۱-۱۸: ۹ توضیح می‌دهند. در اینجا، طولانی‌ترین روایت واحد را در کل کتاب سموئیل می‌بینیم که معمولاً به عنوان داستان داوود و جلیات شناخته می‌شود. نویسنده ما گزارش داد که شائول و ارتش او جبهه را ترک کردند و در نزدیکی سوکوه و عزیقَه در مقابل فلسطینیان صف جنگی ترتیب دادند. در اینجا بود که جلیات، جنگجوی بزرگ، اسرائیل را به مبارزه با خود فرا خواند. به احتمال زیاد، این قسمت پیش از خدمت داوود در دربار شائول رخ داد، چون شائول در ۱۷: ۵۸ از داوود پرسید که او کیست.

چندین مقایسه چشمگیر بین شائول و داوود در این داستان معروف دیده می‌شود. برای نمونه، در ۱۷: ۱۱ وقتی که شائول و لشگر او تهدیدهای جلیات را شنیدند، «هراسان شده، بسیار ترسیدند.» اما روح خدا، داوود را که پسرکی ساده و چوپان بود، با شجاعت و ایمان برکت داد. در ۱۷: ۴۵-۴۷، داوود به جلیات پاسخ داد و گفت: «من به اسم یهوه صباوت، خدای لشکرهای اسرائیل... نزد تو می‌آیم... زیرا که جنگ از آن خداوند است.» پیروزی داوود بر جلیات همچنین برکت پشتیبانی دیگران را به همراه داشت. در آغاز، یوناتان پسر شائول، محبتی عمیق به داوود پیدا کرد. به علاوه، هنگامی که شائول و داوود بعد از جنگ به جبهه برگشتند، زنان سرودی خواندند که موفقیت بزرگ داوود را تحسین می‌کرد. اما این همه پشتیبانی از داوود، باعث خشم شائول شد. همانطور که ۱۸: ۸-۹ به ما می‌گوید، «شائول بسیار غضبناک شد، و [سرود تحسین برای داوود] در نظرش ناپسند آمده... و از آن روز به بعد شائول بر داوود به چشم بد می‌نگریست.»

خیلی اوقات، داستان داوود و جلیات به عنوان داستان پیروزی داوود تعریف می‌شود، اما در واقع، داستان شکست شائول است. و وقتی متوجه می‌شویم که چرا قوم اسرائیل شائول را به عنوان پادشاه انتخاب کردند، قد و قامت او تاثیر زیادی در این انتخاب داشت. او دست کم یک سر و گردن از همه دیگران بلندتر است. بنابراین، وقتی که این فلسطینی عظیم‌الجثه می‌آید و در دره ایلاه لشگر خدا را به مبارزه دعوت می‌کند، طبیعتاً و به طور منطقی، شخصی که باید برود و با او بجنگد شائول است چون او از همه درشت‌تر است. اما شائول از انجام این کار خودداری می‌کند. و در اینجا است که داوود وارد می‌شود. شائول حتی اجازه می‌دهد و تلاش می‌کند که داوود از زره او استفاده کند، اما

داوود آن را به تن می‌کند و متوجه می‌شود که برایش خیلی بزرگ است، اما احتمالاً شائول آنقدر انسان خوب و سخاوتمندی نبود که زره خودش را به او بدهد. او احتمالاً تلاش می‌کرده نشان بدهد که، «خوب، اگر زره من را بپوشی و بروی با جلیات بجنگی، شاید مردم فکر کنند که من در حال انجام این کار هستم.» اما می‌توانیم بگوییم که داوود به نوعی این هویت را کنار می‌گذارد. لباس در سرتاسر کتاب سموئیل، مسئله بزرگی است و همیشه به هویت گره خورده است. بنابراین، داوود نه تنها زره شائول را رد می‌کند، بلکه به نوعی هویت او را نیز رد می‌کند، چون فقط ابزار یک شبان را در اختیار دارد. بنابراین، ابزار یک چوپان که خدا همراه اوست، برتر از یک پادشاه اسرائیلی قد بلند، نیرومند و زره‌پوش است تا با این فلسطینی نامختون که به خدا کفر می‌گوید، بجنگد. بنابراین، اهمیت داستان واقعا در این است که خدا پادشاهی را ترجیح می‌دهد که کاملاً بر او تکیه داشته باشد، تا فردی که به نظر همه دنیا شرایط لازم برای یک راهبر خوب را داشته باشد.

- پروفیسور جفری والکمر

شدت این وقایع با عبور ما از دشمنی اولیه شائول به دشمنی غیر مستقیم او در ۱۸: ۱۰-۱۹: ۱۷ افزایش پیدا می‌کند. تمام اقدامات در این قسمت‌ها، عمدتاً در شهر جبعه، جایی که شائول سعی می‌کرد دیگران را به قتل داوود ترغیب کند، رخ می‌دهند. این آیات به چهار قسمت بی‌پرده تقسیم می‌شوند. نخست، در ۱۸: ۱۰-۱۶، شائول از طریق فرستادن داوود به جبهه جنگ در پی مرگ او بود. واضح است که شائول امیدوار بود که داوود در حملات این جنگ کشته شود. اما علیرغم تلاش شائول برای قتل داوود، خدا داوود را برکت داد. آیه ۱۸: ۱۴ به ما می‌گوید: «داوود در همه رفتار خود عاقلانه حرکت می‌نمود، و خداوند با وی می‌بود.» و به خاطر موفقیت‌های داوود، شائول تحت لعنت حسادت و ترس قرار گرفت. اما خدا داوود را با تحسین فزاینده قوم برکت داد.

در بخش دوم، در ۱۸: ۱۷-۳۰، شائول از طریق فلسطینیان در پی مرگ داوود بود. زمانی که شائول در جبعه بود، داوود را با وعده ازدواج با دخترش میرب و سوسه کرد تا علیه فلسطینی‌ها رفتار تهاجمی‌تری داشته باشد. شائول انتظار داشت که داوود به دست فلسطینیان کشته شود. بنابراین، زمانی که داوود با موفقیت از جنگ برگشت، شائول میرب را به مرد دیگری داده بود. شائول دوباره تلاش کرد و این بار به داوود وعده داد که اگر داوود با صد قلفه فلسطینیان از جنگ برگردد، دختر کوچکتر خود، میکال را به همسری او در بیاورد. داوود چنان در جنگ موفق شد که با دویست قلفه فلسطینیان برگشت. اما همانطور که ممکن است انتظار داشته باشیم، خدا بار دیگر شائول را با ترس لعنت کرد و ترس او از داوود شدت گرفت. شائول دید که میکال داوود را دوست دارد. و نویسنده ما در آیه ۳۰ اضافه کرد که «موفقیت داوود... زیاده‌تر از دیگر افسران نظامی شائول بود و به همین دلیل او بسیار معروف گردید» (ترجمه شریف).

در بخش سوم، در ۱۹: ۱-۸، شائول آشکارا از طریق یوناتان و خدمتگزاران دربار خود، دستور قتل داوود را صادر کرد. اما زمانی که یوناتان از این دستور سر باز زد، خدا داوود را برکت داد. در حقیقت، یوناتان حتی با اعلام بی‌گناهی داوود، پدرش را مورد سرزنش قرار داد و به او اشاره کرد که چطور هر کاری که داوود انجام داد، به نفع شائول بود. شائول به اشتباه خود اعتراف کرد و به دروغ قسم خورد که به داوود آسیبی نخواهد رساند. و نویسنده ما در ۱۹: ۸ متذکر شد که «داوود بیرون رفت و با فلسطینیان جنگ کرده، ایشان را به کشتار عظیمی شکست داد و از حضور وی فرار کردند.»

در چهارمین و آخرین بخش از دشمنی غیر مستقیم شائول با داوود، در ۱۹: ۹-۱۷، شائول از طریق قاصدان یا آدمکشان قصد جان داوود را می‌کند. آیه ۹ به ما می‌گوید که لعنت خدا بار دیگر زمانی که «روح بد از جانب خداوند بر شائول آمد» بر او نازل شد و دوباره، سعی کرد که داوود را با نیزه خود بکشد. اما داوود به خانه خودش فرار کرد. شائول قاصدانی به خانه داوود فرستاد تا را به قتل برسانند. اما خدا باز هم داوود را برکت داد و میکال - که اکنون همسر او بود - به او کمک کرد تا در شب فرار کند.

نویسنده ما بعد از تمرکز بر تلاش‌های شائول برای قتل داوود از طریق دیگران، به تشدید تنش‌هایی پرداخت که از طریق دشمنی مستقیم شائول با داوود در ۱۹: ۱۸-۲۳: ۲۸ روی داد. این آیات، برکات خدا بر داوود و لعنت‌های او بر شائول را در حالی که شائول در تعقیب داوود بود، نشان می‌دهند.

نخست، شائول در ۱۹: ۱۸-۲۴، علیه داوود و سموئیل به رانه آمد. داوود بعد از فرار از دست آدمکشان شائول در جبعه، به موطن سموئیل در رانه گریخت که او در آنجا با گروهی از انبیای تحت هدایتش زندگی می‌کرد. داوود از آنچه اتفاق افتاده بود به سموئیل خبر داد، و هر دوی آنها در نایوت پناه گرفتند. مانند گذشته، شائول قاصدانی فرستاد تا داوود را بکشند، اما روح خدا به طرز چشمگیری از داوود محافظت کرد. شائول سه دفعه قاصدان خود را فرستاد، اما هر بار روح خدا آنچنان بر آنها چیره شد که نتوانستند ماموریت خود را به انجام برسانند. بنابراین، شائول از ناامیدی، این بار خود به نایوت در رانه رفت. اما روح‌القدس شائول را لعنت کرد و او را شرمگین ساخت. شائول که مغلوب روح خدا بود، لباس‌های خود را در آورد و به جای کشتن داوود، نبوت کرد.

دوم، در ۲۰: ۱-۴۲، دشمنی مستقیم شائول با داوود و یوناتان را در جبعه می‌بینیم. داوود سموئیل را در رانه ترک کرد و به جبعه برگشت، و در آنجا با فروتنی در حضور یوناتان بی‌گناهی خود را اعلام کرد. و خدا یک بار دیگر داوود را با پشتیبانی یوناتان برکت داد. آنها با هم راهی ابداع کردند که بتوانند متوجه بشوند آیا شائول هنوز قصد جان داوود را دارد یا نه. هنگامی که شائول یوناتان را به خاطر وفاداری‌اش به داوود، بی‌رحمانه مورد سرزنش قرار داد، یوناتان می‌دانست که پدرش همچنان خواهان مرگ داوود است. بنابراین، یوناتان داوود را با برکت پشتیبانی پایدار خود از آنجا دور کرد و در آیه ۴۲ گفت: «خداوند در میان من و تو و در میان ذریه من و ذریه تو تا به ابد باشد.»

سوم، در ۲۱: ۱-۲۳: ۱۳ چندین قسمت بر خشم شائول نسبت به داوود و کاهنان خیمه تمرکز دارند. این بخش با سفر داوود از جبعه به نوب آغاز می‌شود که خیمه و کاهنان آن در آنجا قرار داشتند. داوود با عبور از پیچ و خم‌های زیاد، همچنین برای مدت کوتاهی به جت فلسطینیان، غار عدلام، و مصفه مؤاب رفت. و در نهایت، مدتی نزد کاهن اعظم در شهر قعیله یهودا ماند.

هنگامی که داوود به خیمه در نوب رسید، از کاهن اعظم، اخیملک، برای مردانش و خودش نان خواست. اخیملک توضیح داد که هیچ نانی جز نان مقدس در حضور خداوند در خیمه وجود ندارد. پاسخ داوود به اخیملک، برکت خدا بر داوود را در این زمان توضیح می‌دهد. همانطور که داوود در آیه ۵ بیان می‌کند: «حتی در سفرهای عادی نیز مردان من ظروف خود را مقدس نگاه می‌دارند، چه رسد به امروز!» (ترجمه هزاره نو). اخیملک نان مقدسی که در آن روز باقی مانده بود را به داوود داد. و علاوه بر این، هنگامی که داوود درخواست سلاح کرد، اخیملک شمشیر جلیات را به او داد که نشانه‌ای شایسته از تایید داوود توسط خدا بود.

در طول این داستان‌ها، باید دقیق باشیم تا ببینیم که نویسنده کتاب سموئیل چگونه اغلب سرنخ‌های ظریفی ارائه می‌دهد تا مخاطبانش را در ارزیابی آنها از آنچه داوود انجام داده است هدایت کند. در ظاهر، خوردن نان مقدس توسط داوود باعث ایجاد سوالاتی شد، چون لاویان ۲۴: ۵-۹ به پسران هارون فرمان می‌دهد که از نان مقدس بخورند. بنابراین، اشاره نویسنده به قدوسیت مردان و دریافت شمشیر جلیات توسط داوود، مورد کم‌اهمیتی نبود. این جزئیات، وفاداری داوود به خدا را بر خلاف عدم وفاداری شائول نشان می‌دهند و بر تایید داوود از سوی خدا در این برهه زمانی صحنه می‌گذارند. بنابراین جای تعجب ندارد که عیسی در لوقا ۶: ۳ برای دفاع از شاگردانش در مقابل اتهام نادرست شکستن سبت با جمع‌آوری دانه‌های گندم، به این واقعه اشاره کرد. سرنخ‌های ظریفی از این دست در این آیات نمایان می‌شوند تا به مخاطبان اولیه کمک کنند که بدانند چگونه باید اقدامات داوود را ارزیابی کنند.

حال، یک فرد ادومی به نام دوآغ وجود داشت که آن زمان، سرپرست چوپان‌های شائول در نوب بود. داوود که متوجه شده بود دوآغ احتمالاً محل اختفای او را به شائول گزارش می‌دهد، فرار کرد. او برای مدت کوتاهی به شهر فلسطینی جت رفت، و در آنجا خدا به او حکمت بخشید تا با رفتار مانند یک دیوانه، پادشاه را فریب بدهد و از خود محافظت کند. سپس به غار عدلام رفت و خدا در آنجا او را با حدود ۴۰۰ مرد جنگجو برکت داد. اما بر خلاف شائول که هرچه می‌توانست سربازگیری می‌کرد، داوود به این جنگجویان اجباری نکرد. همه آنها داوطلبانه نزد او آمدند. داوود همچنین برکت روح خدا را با بردن پدر و مادرش به مکانی امن در مصفه مؤاب نشان داد. او در آنجا ماند تا زمانی که جاد نبی به او گفت که به یهودا برود، و او با فروتنی به فرمان خدا عمل کرد.

در تمام این مدت، لعنت روح شریر بر شائول، آشکار بود. در جبعه، شائول از مردان خود به خاطر عدم حمایت از او خشمگین شد. به همین خاطر، دوآغ ادومی به شائول گفت که داوود در نوب است. اما زمانی که شائول متوجه شد داوود پیش‌تر فرار کرده و اخیملک نیز به او یاری داده، چنان خشمگین شد که به دوآغ فرمان داد تا همه

کاهنان را بکشد. همانطور که در ۲۲: ۱۸ می‌خوانیم: «دو آغ ادومی برخاسته، بر کاهنان حمله آورد و هشتاد و پنج نفر را که ایفود کتان می‌پوشیدند، در آن روز کشت.» شائول سپس همهٔ افراد و حیوانات، از جمله زنان و کودکان را در نوب از بین برد. تنها ابیاتار کاهن، یکی از پسران اخیملک، توانست فرار کند و به داوود و مردان او پیوست.

داوود و ابیاتار با هم درون یهودا سفر می‌کردند تا اینکه به داوود خبر رسید که فلسطینیان مردم قعیله را مورد آزار قرار می‌دهند. بر خلاف شائول، داوود از خدا پرسید که چه باید بکند. خدا پاسخ داد که او باید از قعیله در برابر فلسطینی‌ها دفاع کند. و خدا داوود را با پیروزی برکت داد. در این ضمن، خدا بر ابیاتار آشکار ساخت که شائول به قعیله می‌آید و به این ترتیب هم داوود را برکت داد. بنابراین، داوود کاهن اعظم را فرا خواند و یک بار دیگر برای دریافت راهنمایی دعا کرد. خدا آشکار ساخت که داوود باید آنجا را ترک کند، و شائول و لشگر او نیز برگشتند.

چهارمین و آخرین بخش از دشمنی مستقیم شائول در ۲۳: ۱۴-۲۸، شامل چندین رفتار خشونت‌آمیز به هم‌پیوسته علیه داوود در بیابان است. داوود پس از آنکه قعیله را ترک کرد، به بیابان زیف، و بعداً به منطقهٔ جنوبی‌تر بیابان معون رفت، که شائول در آنجا دوباره به تعقیب او پرداخت.

در آغاز این بخش، هم لعنت روح شریر بر شائول و هم برکت خدا بر داوود ذکر شده است. به ما گفته می‌شود که شائول بی‌وقفه داوود را تعقیب می‌کرد، اما خدا هرگز به او اجازه نداد که داوود را دستگیر کند. و بر اساس ۲۳: ۱۷، یوناتان نزد داوود آمد، به او اطمینان داد و گفت: «مترس زیرا که دست پدر من، شائول تو را نخواهد جست، و تو بر اسرائیل پادشاه خواهی شد.»

در همین حین، عده‌ای از مردان اهل بیابان زیف پیشنهاد کردند که شائول را نزد داوود ببرند. بدین ترتیب، داوود و مردان او به سوی جنوب و بیابان معون رفتند. شائول به دستگیری داوود نزدیک شد، اما با نزدیک شدن او خدا یک بار دیگر داوود را برکت داد. به شائول خبر رسید که فلسطینیان در جای دیگری به اسرائیل حمله کرده‌اند و شائول مجبور شد از تعقیب داوود دست بکشد و با فلسطینی‌ها بجنگد.

فروکش دشمنی (۲۳: ۲۹-۲۷: ۱۲). بعد از آنکه آغاز و تشدید دشمنی شائول با داوود را دیدیم، اکنون باید به فروکش دشمنی شائول در ۲۳: ۲۹-۲۷: ۱۲ بپردازیم. این مطالب نشان می‌دهند که چطور صداقت داوود سبب شد که شائول به داوود اجازه بدهد در صلح زندگی کند.

اولین بخش، قسمت مشهور داوود در عین جدی در ۲۳: ۲۹-۲۴: ۲۲ است. پس از آنکه شائول برگشت تا به جنگ فلسطینی‌ها برود، داوود به سمت شرق و به جایی حرکت کرد که به نام عین جدی شناخته می‌شود. اما زمانی که جنگ شائول تمام شد، یک بار دیگر به تعقیب داوود پرداخت. در طول مسیر، شائول برای قضای حاجت در غاری توقف کرد. و از مشیت خدا، داوود هم در همان غار پنهان شده بود. داوود می‌توانست به آسانی شائول را بکشد، اما در عوض، او تنها قسمتی از ردای شائول را برید. و نویسندهٔ ما برای تاکید بر میزان حساسیت وجدان داوود به گناه، اشاره کرد که او حتی در مورد این عمل کوچک علیه پادشاه مسح شدهٔ خداوند نیز احساس گناه می‌کرد.

بنابراین، صبح روز بعد، داوود از دور شائول را صدا زد. او روشن ساخت که از جان شائول گذشته و به او آسیبی نخواهد رساند. و سپس، در یک لحظه کوتاه از خلوصی چشمگیر، شائول در ۲۴: ۱۷ به داوود گفت: «تو از من نیکوتر هستی زیرا که تو جزای نیکو به من رسانیدی و من جزای بد به تو رسانیدم.» و در ۲۴: ۲۰، خود شائول اعتراف کرد که: «حال اینک می‌دانم که البته پادشاه خواهی شد و سلطنت اسرائیل در دست تو ثابت خواهد گردید.»

در بخش دوم، نویسنده ما آنچه برای داوود و ابیجایل در بیابان فاران اتفاق افتاده بود را در ۲۵: ۱-۴۴ توصیف کرد. در این قسمت اشاره‌ای به شائول نمی‌شود، اما نویسنده مان با این خبر آغاز می‌کند که سموئیل درگذشت و تمامی اسرائیل برای او سوگواری کردند. به احتمال زیاد، او به این مورد اشاره کرد تا نشان دهد که داوود و شائول هر دو در تدفین سموئیل تحت یک آتش‌بس موقت حضور داشتند. همین حقیقت به خودی خود نشان می‌دهد که چقدر دشمنی شائول فروکش کرده است. اما داوود به هیچوجه خطر نکرد و بلافاصله از شائول فاصله گرفت و به مناطق بیابانی جنوب یهودا و بیابان فاران گریخت. کارهای داوود در آنجا، یک بار دیگر بی‌گناهی او را نشان دادند. سپس درباره زنی زیبا و باهوش به نام ابیجایل و همسر ظالم و شرورش به نام نابال می‌آموزیم که اسمش به معنی «ابله» است. بعد از آنکه مردان داوود با شبانان نابال رفتار خوبی داشتند و از آنها در بیابان محافظت کردند، داوود از نابال خواستار مقداری آذوقه برای مردانش شد. اما هنگامی که نابال، ابلهانه درخواست داوود را رد و به قاصدان او توهین کرد، داوود مردان خود را برای حمله به خانه نابال آماده ساخت. ابیجایل با مداخله به نمایندگی از شوهرش، آذوقه به داوود هدیه داد و برای همسرش طلب بخشش کرد. او همچنین فروتنانه به نیکویی داوود اذعان کرد. و داوود خدا را شکر کرد که او را از انتقام‌گیری باز داشته است. حدود ده روز بعد، خود خداوند نابال را زد و کشت. هنگامی که داوود خبر مرگ نابال را دریافت کرد، در آیه ۳۹ پاسخ داد: «مبارک باد خداوند که... بنده خود را از بدی نگاه داشته است.» و اندکی بعد، خدا برکت بیشتری به داوود بخشید و ابیجایل به همسری او درآمد.

داوود برای خانواده نابال که اتفاقاً شوهر ابیجایل هم بود، کارهای خوب زیادی انجام داد. و داوود انتظار داشت که نابال هم سخاوت خود را با آذوقه دادن به داوود و مردان او نشان بدهد. اما، زمانی که داوود قاصدانی پیش نابال فرستاد، نابال از آذوقه دادن خودداری کرد و بنابراین داوود هم تصمیم گرفت که برای انتقام‌گیری برود... و نابال و بعضی از اعضای خانواده او را از بین ببرد. ابیجایل به نوعی از اتفاقی که قرار بود رخ بدهد باخبر می‌شود و به سرعت ترتیبی می‌دهد که با داوود ملاقات کند و مقداری آذوقه به او بدهد. حالا، وقتی که ابیجایل با داوود ملاقات کرد که در یک ماموریت بود - من می‌گویم یک ماموریت انتقام‌جویی - ابیجایل توانست با فروتنی، داوود را متقاعد کند که انتقام نگیرد. در آن لحظه داوود به او گوش داد، و در نتیجه هدیه‌ای که برای او آورده بود را پذیرفت و ابیجایل برگشت... بدین ترتیب، چند روز بعد خدا نابال را زد و نابال مُرد. وقتی داوود شنید که ابیجایل حالا بیوه شده است، قاصدانی پیش او فرستاد تا با او ازدواج کند و ابیجایل هم پذیرفت که با داوود ازدواج کند. اینطور بود که داوود با

ایبجایل ازدواج کرد. و من فکر می‌کنم، برای من، درسی که برای من وجود دارد این است که انتقام کار ما نیست... انتقام از آن خداوند است.

- کشیش دکتر همفری آکوگرم

نویسنده ما سپس در ۲۶: ۱-۲۵، یک بار دیگر به داوود در بیابان زیف می‌پردازد. شائول باز هم به تعقیب داوود پرداخت. اما داوود دست به عمل اشتباهی نزد. یک شب داوود وارد اردوگاه شائول شد و او را دید که در خواب بود و نیزه‌اش نیز نزدیک سرش قرار داشت. داوود مانند دفعه قبل، از صدمه به شائول خودداری کرد اما نیزه و کوزه آب شائول را برداشت. روز بعد، خدا داوود را به خاطر خویشتنداری او برکت داد. هنگامی که داوود و شائول از دور با هم صحبت کردند، شائول به بی‌گناهی داوود اعتراف کرد، او را برکت داد، و در آیه ۲۵ گفت: «مبارک باش ای پسر داوود؛ البته کارهای عظیم خواهی کرد و غالب خواهی شد.»

آخرین بخش فروکش دشمنی شائول، در اول سموئیل ۲۷: ۱-۱۲ به داوود در فلسطین می‌پردازد. داوود یک بار دیگر از شائول فرار کرد و این بار به سرزمین فلسطین رفت. برکت خدا بر این تصمیم داوود کاملاً مشهود است، چون شائول پس از اطلاع از فرار داوود به شهر جت، از تعقیب او دست کشید. خدا داوود را از راه‌های دیگر نیز برکت داد. اخیش، پادشاه فلسطینی، شهر صقلخ را برای سکونت داوود به او داد. داوود یک سال و چهار ماه در صقلخ زندگی کرد و چندین حمله موفقیت‌آمیز را از آنجا فرماندهی کرد. حال، نویسنده ما دقت داشت که به این نکته اشاره کند که داوود هرگز به هیچ فردی از قوم خدا صدمه نزد. بلکه او تنها به فلسطینیان کمک کرد تا به دشمنان خدا حمله کنند. با این حال، اخیش به داوود اعتماد داشت و تصور می‌کرد که اسرائیلیان از داوود متنفرند و او چاره‌ای ندارد جز اینکه تا آخر عمر به اخیش وفادار بماند.

عواقب دشمنی (اول سموئیل ۲۸: ۱ تا دوم سموئیل ۱: ۲۷). نویسنده کتاب سموئیل پس از آنکه به پیشینه، تشدید، و فروکش دشمنی شائول با داوود پرداخت، در اول سموئیل ۲۸: ۱ تا دوم سموئیل ۱: ۲۷ به سراغ عواقب دشمنی شائول رفت. در این باب‌ها، فلسطینی‌ها با اسرائیل جنگیدند و نویسنده ما تمرکز خود را بر این موضوع قرار داد که چطور خدا طی این مدت داوود را برکت داد و شائول را لعنت کرد.

اولین قسمت از عواقب دشمنی شائول در ۲۸: ۱-۲۵، بر آمادگی برای جنگ با فلسطینیان متمرکز است. نویسنده کتاب سموئیل با فاصله گرفتن از الگوی معمول خود، دو قسمت که شامل داوود و شائول است را با هم ادغام کرد تا نشان بدهد که این وقایع در یک زمان اتفاق افتاده‌اند.

ابتدا، در ۲۸: ۱-۲، قسمت کوتاهی از آمادگی داوود برای نبرد را می‌بینیم. این وقایع، در شهر فلسطینی جت روی دادند. پادشاه فلسطینی به داوود گفت که او و مردانش باید در جنگ علیه اسرائیل، به ارتش فلسطین بپیوندند. داوود با ایجاد تصور اینکه با نقشه موافق است، اخیش را فریب داد. اخیش که بسیار خوشحال بود، به داوود

گفت که او تا آخر عمر، محافظ پادشاه خواهد بود. نویسنده کتاب سموئیل منتظر ماند تا این بحران همکاری داوود با فلسطینیان را در قسمت بعدی حل کند.

دوم، نویسنده ما در ۲۸: ۳-۲۵، به آمادگی شائول برای جنگ پرداخت. شائول در زمان سموئیل، همه کسانی که احضار ارواح می‌کردند و جادوگران را از اسرائیل حذف کرده بود. اما مشاهده لشکر فلسطینیان، شائول را در ترس فرو برد. او از خدا پرسید، اما خدا جوابی به او نداد. بنابراین، شائول کاری غیر قابل تصور انجام داد. او با یک فالگیر اموات مشورت کرد. حال، لاویان ۲۰: ۲۷ نشان می‌دهد که فال اموات - مشورت با مردگان - در شریعت موسی جرمی مستحق مرگ بود. اما شائول به فالگیر امواتی که در عین دور بود دستور داد که روح سموئیل را احضار کند. روح احضار شده چه حقیقتاً سموئیل بوده باشد یا یک فریب شیطانی، چیزی به شائول گفت که او اصلاً نمی‌خواست بشنود. آن روح در آیه ۱۷، سخنان قبلی سموئیل را تکرار کرد و گفت: «خداوند سلطنت را از دست تو دریده، آن را به همسایهات داوود داده است.» در آیه ۱۹، روح ادامه داده و می‌گوید: «خداوند، اسرائیل را نیز با تو به دست فلسطینیان خواهد داد، و تو و پسرانت فردا نزد من خواهید بود.» خدا شائول و پسرانش را به مرگ در جنگ با فلسطینیان محکوم کرد.

قسمت بعدی این بخش، در ۲۹: ۱-۳۱: ۱۳ بر مشغولیت داوود و شائول در نبرد با فلسطینیان متمرکز است. روایت حاضر، در ۲۹: ۱-۳۰: ۳۱ از پیروزی‌های داوود خبر می‌دهد. به یاد دارید که در ۲۸: ۱، اخیش، پادشاه فلسطین به داوود اصرار کرده بود که او را در جنگ با اسرائیل همراهی کند. اما در این آیات، فرماندهان فلسطینی اجازه ندادند که داوود به آنها ملحق شود. بدین ترتیب داوود به صقلغ برگشت و هرگز به جنگ علیه شائول نرفت. هنگامی که داوود به صقلغ برگشت، دریافت که عمالیقی‌ها شهر را به آتش کشیده و همسر او را نیز به اسارت برده‌اند. داوود به عمالیقی‌ها حمله کرد و همه آنها را از بین برد - یعنی همان کاری که شائول از انجام آن خودداری کرده بود. و داوود به عنوان یک راهبر شرافتمند قوم خدا، غنایم جنگی را با همه کسانی که از او پیروی کرده بودند، تقسیم کرد. در مقابل، نویسنده ما در ۳۱: ۱-۱۳ به مرگ شائول در نبرد با فلسطینیان پرداخت. خدا در کوه جلبوع لعنت‌هایی را نازل کرد که بیشتر درباره آنها هشدار داده بود. سه پسر شائول، از جمله یوناتان، در جنگ کشته شدند. سپس، بعد از اینکه تیر یک کماندار شائول را به شدت زخمی کرد، در آیه ۴ می‌خوانیم که: «شائول شمشیر خود را گرفته، بر آن افتاد.» فلسطینیان با آویختن اجساد شائول و پسرانش از حصار بیت شان، به آنها بی‌احترامی کردند. اما مردانی دلیر از یابیش جلعاد رفته، اجساد را برداشتند، سوزاندند، و استخوان‌های شان را دفن کردند.

نویسنده کتاب سموئیل سپس با پرداختن به واکنش داوود پس از جنگ در دوم سموئیل ۱: ۱-۲۷، روایت خود از عواقب دشمنی شائول را به پایان برد. این قسمت بر واکنش عادلانه داوود به مرگ شائول و پسرانش پس از بازگشت به خانه خود در صقلغ متمرکز است.

نخست، در ۱: ۱-۱۶، داوود یک قاصد عمالیقی را که ادعا می‌کرد شائول را کشته است، به جای پاداش دادن، اعدام کرد. سپس در ۱: ۱۷-۲۷، داوود در انظار عمومی برای مرگ یوناتان و شائول سوگواری کرد. در آیه ۱۹، فغان کرده و گفت: «زیبایی تو ای اسرائیل [پادشاه اسرائیل] در مکان‌های بلندت کشته شد.» در آیات ۱۹، ۲۵، و ۲۷ با تکرار عبارت مشهور «جباران چگونه افتادند»، به شائول و یوناتان ادای احترام کرد. علیرغم این واقعیت که شائول بدون هیچ دلیل موجهی داوود را مورد آزار و اذیت قرار داده بود، داوود تا به آخر به عنوان خدمتگزار فروتن شائول، صداقت خود را نسبت به او حفظ کرد.

اکنون که ساختار و محتوای پادشاهی شکست‌خورده شائول را در نظر گرفتیم، در موقعیتی قرار داریم که درباره ارتباط آن با زندگی خودمان بپرسیم. چگونه می‌توانیم از این بخش‌های کتاب سموئیل، کاربردهای مسیحی پیدا کنیم؟

کاربرد مسیحی

به نظر می‌رسد که بسیاری از جنبه‌های بخش دوم کتاب سموئیل با زندگی ما به عنوان پیروان مسیح ارتباطی نداشته باشند. ما با فلسطینیان و دیگر اقوام باستانی در جنگ نیستیم. ما درگیر تنش‌های بین شائول و داوود نیستیم. این رویدادها چه ارتباطی با ما دارند؟ مطمئناً، بسیاری از ما می‌توانیم چند اصل الاهیاتی و اخلاقی مرتبط به خودمان را در قسمت‌های مختلف کتاب سموئیل ببینیم. اما بسیار مفیدتر است که کاربردهای مسیحی‌مان را با اهداف اصلی نویسنده کتاب سموئیل در همان برهه زمانی که ابتدا درباره پادشاهی شکست‌خورده شائول نوشت، همسو کنیم.

راه‌های زیادی برای بررسی کاربردهای مسیحی پادشاهی شکست‌خورده شائول وجود دارد. اما در راستای اهداف این درس، یک بار دیگر از منظر مضامین عهدهای خدا و پادشاهی خدا به آنها نگاه می‌کنیم. بیاید با این نکته شروع کنیم که چطور عهدهای خدا یک راهنمایی بنیادین درباره این بخش از کتاب سموئیل به ما ارائه می‌دهند.

عهدهای خدا

رویدادهای پادشاهی شکست‌خورده سموئیل در زمانی رخ دادند که تعاملات اسرائیل با خدا عمدتاً بر اساس عهد خدا با موسی اداره می‌شدند. شریعت موسی، اداره‌کننده آنچه بود که نویسنده سموئیل درباره سخاوتمندی خدا، معیارهای وفاداری قدرشناسانه - به ویژه در مورد مقررات خدا برای پرستش و پادشاهی - و پیامدهای لعنت و برکت بود. اما همانطور که در این درس دیدیم، کتاب سموئیل بعد از آن نوشته شد که خدا عهد خود با داوود را برقرار ساخته بود. بنابراین، از مخاطبین اولیه انتظار می‌رفت که همه این باب‌ها را در پرتو تمام آنچه که خدا در مورد مرکزیت خاندان داوود آشکار کرده بود در زندگی خود به کار بگیرند.

به طریق مشابه، ما نیز به عنوان پیروان مسیح باید روایت پادشاهی شکست‌خورده شائول را در پرتو روزگار خودمان به کار بگیریم. ما در زمانه بعد از اینکه خدا عهد تازه‌ای را در مسیح برقرار کرد، زندگی می‌کنیم. و این عهد تازه، به تنظیم مجدد پویایی عهدهای پیشین خدا نسبت به مرکزیت عیسی به عنوان پسر ارشد داوود می‌پردازد. به همین دلیل، ما باید بر مکاشفه خدا در عهد جدید تکیه کنیم تا ما را در به‌کارگیری این باب‌ها راهنمایی کند.

زمانی که کتاب مقدس را می‌خوانیم، مهم است تشخیص بدهیم که کتاب مقدس یکباره به دست ما نرسیده است. بلکه یک مکاشفه پیش‌رونده است. خدا اینطور تصمیم گرفت که نقشه خود را در طول زمان از طریق عهدهای کتاب مقدسی بر ما آشکار کند که در خداوندان عیسای مسیح به اوج خود می‌رسد. با در نظر گرفتن این موضوع، باید متوجه باشیم که وقتی کتاب مقدس را در زندگی خود به کار می‌گیریم، به ویژه اکنون به عنوان مسیحیان، همه جنبه‌های کتاب مقدس دقیقاً به همان شکلی که تحت عهد قدیم یا در دوران عهد عتیق انجام می‌شد، برای ما کاربرد ندارند. وقتی به آنچه فکر می‌کنیم که در مورد ما کاربرد دارد، باید ببینیم که چطور عهد عتیق به طور خاص در عیسای مسیح تحقق پیدا می‌کند. او دریچه و شبکه‌ای است که از طریق او نگاه می‌کنیم و می‌گوییم: «این اعمال می‌شود و آن یکی دیگر اعمال نمی‌شود...» همه اینها در مسیح به تحقق می‌رسند. اینها در او و از طریق او در مورد ما کاربرد پیدا می‌کنند. این یک اصل اساسی است که ما باید در هنگام مطالعه هر بخش کتاب مقدس از آن پیروی کنیم، یعنی آن بخش را در جای خود در تاریخ رستگاری قرار بدهیم، ببینیم که چطور در عیسای مسیح تحقق پیدا کرده، و بعد چطور در پرتو آنچه که عیسی انجام داد، در مورد ما به عنوان قوم خدا صدق می‌کند.

– دکتر استفان ولوم

در وهله اول، درست مانند بخش قبلی، هنگامی که این بخش از کتاب سموئیل توجه ما را به سخاوتمندی الهی جلب می‌کند، متوجه سخاوت عظیم‌تر خدا در مسیح می‌شویم. ما سخاوت الهی را در زمانی می‌بینیم که خدا پادشاهی را به شائول بخشید، و بعد در زمانی که داوود را جایگزین شائول ساخت، سخاوتی عظیم‌تر را مشاهده می‌کنیم. اما عهد جدید تعلیم می‌دهد که خدا سخاوتی بس عظیم‌تر در مسیح نشان داد. امروز، ما فرصت‌هایی داریم که بر این سخاوت خارق‌العاده اذعان کنیم – نه تنها سخاوتی که او به خود مسیح نشان داد، بلکه آن سخاوتی نیز که او هر روزه به پیروان مسیح نشان می‌دهد.

در وهله دوم، هنگامی که وفاداری بشر در روزگار شائول را در نظر می‌گیریم نیز تا حد زیادی همین مسئله صدق می‌کند. این باب‌ها، شکست شائول در وفاداری به خدا را آشکار می‌کنند. او به طور مکرر پرستش خدا را نادیده گرفت و آن را به فساد آلوده کرد. و همچنین بارها و بارها از قوانین موسی برای اقتدار سلطنتی تخطی کرد. قصورها و شکست‌های شائول در تضادی چشمگیر با تعهد کامل عیسی به پرستش خدا و حکمرانی بی‌عیب او به عنوان پسر

بی‌نقص داوود قرار می‌گیرند. آنها همچنین به مسئولیت ما برای پرستش خدا در روح و راستی، و الگوبرداری از حکمرانی کاملاً عادلانه عیسی در زندگی‌مان اشاره می‌کنند.

اما این بخش از کتاب ما، همچنین توجهات را به پرستش صادقانه داوود نیز جلب می‌کند. به ما مسیحیان یادآوری می‌شود که پرستش عیسی نسبت به پدر، بسیار فراتر از پرستش داوود است. و پرستش ما در مسیح نیز باید از پرستش داوود فراتر برود. به علاوه، هر بار که نویسنده ما به اعمال شرافتمندانه داوود در ارتباط با اقتدار سلطنتی صحبت می‌کند، ما از پادشاهی بی‌نقص عیسی متلذذ می‌شویم و می‌آموزیم که چطور باید از الگوی او پیروی کنیم.

ما می‌بینیم... در کتاب سموئیل، که چطور خداوند تخت پادشاهی را از شائول گستاخ گرفت، کسی که فکر می‌کرد پادشاه بزرگی است، و آن را به داوود بخشید، یعنی کسی که او را از شبانی گوسفندان به پادشاهی رساند. با وجود اینکه کتاب اول سموئیل بر پادشاهی داوود، بزرگی او و اطاعتش از خدا تمرکز می‌کند، اما در دوم سموئیل می‌بینیم که او یک پادشاه ایده‌آل نبود. گناهان و ضعف‌های او را می‌بینیم. این به ما نشان می‌دهد که قوم اسرائیل هنوز به نجات‌دهنده واقعی نیاز داشتند که ننگ ما را کاملاً از بین ببرد، و این شخص، عیسی مسیح است.

– آقای شریف عاطف فهیم

در وهله سوم، این باب‌ها توجه خود را بر عواقب لعنت‌ها و برکت‌ها متمرکز می‌کنند. لعنت‌هایی که نتیجه نافرمانی شائول بودند ما را به مسیح نزدیک می‌کنند که لعنت‌های ابدی را برای همه کسانی که به او ایمان بیاورند متحمل می‌شود. و همچنین به ما هشدار می‌دهند که حتی اکنون نیز وقتی که از او دور می‌شویم، خدا کلیسای خود را با لعنت‌های موقت تادیب می‌کند. به طریق مشابه، وقتی برکاتی را می‌بینیم که داوود به دلیل خدمت وفادارانه خود به خدا دریافت کرد، مسیح را ستایش می‌کنیم که برای اطاعتش، برکاتی بی‌اندازه از خدا دریافت کرد. و ما تشویق می‌شویم که در پی برکات موقت خدا برای امروز و برکات ابدی او در جهان آینده باشیم.

علاوه بر اینکه باید کاربردهای مسیحی خود از پادشاهی شکست‌خورده شائول را به سمت پویایی عهدهای خدا سوق بدهیم، همچنین باید این باب‌ها در پرتو مکاشفه پادشاهی خدا در مسیح به کار ببندیم.

پادشاهی خدا

همانطور که دیدیم، نویسنده کتاب سموئیل در مورد پادشاهی شکست‌خورده شائول نوشت تا مخاطبین اولیه او امیدشان به خاندان شائول را رها کنند و این امید را بر پادشاهی خدا در حکمرانی عادلانه سلسله داوود قرار بدهند. و به همین دلیل، ما نیز باید امید خود را به طور انحصاری، بر عیسی، تنها فرزند کاملاً عادل خاندان سلطنتی

داوود، یعنی عیسی قرار بدهیم. تنها عیسی، امیدهای پادشاهی خدا که نویسنده ما در روایت خود از پادشاهی شکست خورده شائول به آنها اشاره کرده است را محقق می‌سازد.

اما همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم، عیسی پادشاهی را در سه مرحله تحقق می‌بخشد. او با تاسیس پادشاهی خود در اولین ظهورش آغاز می‌کند. ما امروزه در تداوم پادشاهی او زندگی می‌کنیم که در طول تاریخ کلیسا ادامه دارد. و تکمیل پادشاهی او را در انتهای زمان، هنگامی که با جلال برگردد مشاهده خواهیم کرد.

در وهله اول، مخاطبین اولیه کتاب سموئیل از شکست‌های شائول آموختند که امید تنها در خاندان داوود یافت می‌شود. به طریق مشابه، ما در پشت سرمان به تاسیس پادشاهی مسیح نگاه می‌کنیم، جایی که عیسی بدون شک از طریق معجزات، مرگ، قیام، و صعود خود ثابت کرد که او تنها پادشاهی است که ملکوت با شکوه خدا را بر زمین برقرار خواهد ساخت.

در وهله دوم، در روزگار مخاطبین اولیه سموئیل، خدا خاندان داوود را علیرغم شکست‌های آنان حفظ کرد. و ما از این امتیاز برخورداریم که بدانیم در طول بیش از ۲۰۰۰ سال تداوم پادشاهی خدا، وعده‌های او شکست نخورده‌اند. مسیح – پسر عادل داوود – بارها و بارها ثابت کرد که خدا او را مقرر ساخته است تا این پادشاهی را تا انتهای زمین گسترش بدهد. اگرچه هنوز بسیاری از افراد در پی راه‌های دیگری هستند، اما مسیح همچنان به شکست دشمنان خود ادامه می‌دهد و با قدرت روح خویش و موعظه انجیل، برکات خدا را در سراسر جهان انتشار می‌دهد.

و در وهله سوم، نویسنده کتاب سموئیل مخاطبین اولیه خود را فرا خواند تا چشمان خود را بر آینده و احیای کامل تخت پادشاهی داوود بدوزند. به همین ترتیب، روایت نویسنده ما از پادشاهی شکست‌خورده شائول، ما را فرا می‌خواند که در انتظار تکمیل عصر خود در هنگام بازگشت مسیح باشیم. عهد جدید به ما اطمینان می‌دهد که در آن زمان، برای هر موجودی آشکار خواهد شد که در واقع، مسیح تنها کسی است که برای حکمرانی بر آفرینش برگزیده شده است. همانطور که پولس در فیلیپیان ۲: ۱۰-۱۱ بیان می‌کند، در آن روز، «به نام عیسی هر زانویی از آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است خم [می] شود، و هر زبانی اقرار [می] کند که عیسای مسیح، خداوند است.»

بدین ترتیب، در عهد جدید می‌بینیم که پادشاهی خدا اکنون از طریق حکمرانی مسیح بر قوم او از هر قبیله، ملت، و زبانی که در سراسر جهان پراکنده‌اند وجود دارد و در یک مکان خاص، یک مکان جغرافیایی واقع نشده، بلکه در بهشت، در خانه روحانی ما قرار دارد. اما سپس عهد جدید به ما یک نگاه اجمالی هم از این می‌دهد که وقتی عیسی برگردد پادشاهی خدا به چه شکلی خواهد بود، و در حالی که آن پادشاهی اکنون به نوعی در این دنیا پنهان است، وقتی که مسیح برگردد به وضوح دیده خواهد شد – «هر زانویی... خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسای مسیح،

خداوند است» - و خدا از طریق پادشاه خود، مسیح، بر قوم خویش حکمرانی می‌کند که او را می‌شناسند و او را در اورشلیم جدید آسمانی پدر می‌خوانند.

- دکتر کنستانتین کمپل

نویسنده کتاب سموئیل با دقت نشان داد که اسرائیل مسیر اشتباهی در پیش نگرفته است، چون این رویدادها به پادشاهی داوود منجر شدند. بلکه بر عکس، خود خدا هر قدم را در طول مسیر هدایت کرد. و این باب‌های کتاب سموئیل به ما اطمینان می‌دهند که خدا همه این رویدادها را نه تنها برای تجلیل از داوود به عنوان پادشاه اسرائیل، بلکه برای تعالی مسیح به عنوان پادشاه جهان هدایت کرد.

نتیجه‌گیری

در این درس درباره سموئیل و شائول، دیدیم که چطور نویسنده کتاب سموئیل به روایت برخی از وقایعی پرداخت که به استقرار داوود به عنوان پادشاه اسرائیل منجر شدند. به بررسی این موارد پرداختیم که او چطور مقدمه سموئیل بر پادشاهی را در بخش اول کتاب خود و نیز پادشاهی شکست‌خورده شائول را در بخش دوم کتاب خود ارائه داد.

ما نیز درست مانند کسانی که مخاطبین اولیه کتاب سموئیل بودند، در این دنیا با مشکلاتی روبرو هستیم. و این مشکلات اغلب ما را وسوسه می‌کنند که امیدمان به پیروزی پادشاهی خدا در مسیح را از دست بدهیم. اما زمانی که فروتنانه در نظر می‌گیریم که چطور خدا از طریق زندگی سموئیل و شائول، راه را برای پادشاهی داوود آماده کرد، سخنان او ما را دلگرم می‌سازند تا ما نیز امید خود به آینده را بر پادشاهی عادلانه خاندان داوود قرار بدهیم. عیسی، پسر عادل داوود، آمده است. و فارغ از آزمایشاتی که امروزه با آنها روبرو هستیم، می‌توانیم مطمئن باشیم که او به تمام کسانی که به وی ایمان دارند، در تکمیل پادشاهی خدا میراثی ابدی از برکات بی‌پایان عطا خواهد کرد.

واژه‌نامه

ایباتار: کاهن و پسر اخیملک که از کشتار کاهنان در نوب فرار کرد و به داوود و مردان او پیوست؛ در تمام دوران حکمرانی داوود نسبت به او وفادار ماند.

ایبجایل: زن نابال که بعد از آنکه همسرش درخواست داوود برای آذوقه را کرد و قاصدان او را مورد توهین قرار داد، دخالت کرد؛ بعد از آنکه خدا نابال را کشت، با داوود ازدواج کرد.

اخیش: پادشاه فلسطینی جت که داوود در کنار او خود را از شائول در امان نگه داشت.

اخیملک: کاهن اعظم در نوب و پدر ایباتار؛ به دلیل کمک به داوود توسط شائول کشته شد.

عمالیقی‌ها: قومی از فرزندان عمالیق (یکی از نوادگان عیسو) که بعد از فرار اسرائیل از مصر، بدون دلیل به آنها حمله کردند؛ یکی از بی‌رحم‌ترین دشمنان اسرائیل که نهایتاً به دست داوود و مردان او از بین رفتند.

تابوت عهد: جعبه‌ای که (بر اساس فرمان خدا به موسی) از چوب شطیم ساخته و با طلا پوشانده شد، و الواح ده فرمان درون آن نگهداری می‌شدند.

تبعید بابلی: اخراج و تبعید اسرائیلیان باستان به بابل از حدود ۵۸۶ ق. م. تا ۹/۵۳۸ ق. م.

غار عدلام: غاری که داوود در حین فرار از شائول در آنجا پنهان شد.

تکمیل: سومین و آخرین مرحله از آخرت‌شناسی آغاز شده؛ زمانی که مسیح باز خواهد گشت و هدف نهایی خدا برای تمام تاریخ را محقق خواهد کرد.

تداوم: مرحله دوم یا میانی از آخرت‌شناسی آغاز شده؛ دوره پادشاهی خدا بعد از ظهور اولیه مسیح و پیش از پیروزی نهایی او.

عهد: یک قرارداد حقوقی الزام‌آور که بین دو فرد یا گروهی از مردم، یا بین خدا و شخص یا گروهی از مردم منعقد شده باشد.

داجون: بت فلسطینی که اغلب نیمی انسان و نیمی ماهی به تصویر کشیده می‌شد.

داوود: دومین پادشاه اسرائیل در عهد عتیق که وعده یافت نوه او بر تخت پادشاهی وی خواهد نشست و تا ابد حکمرانی خواهد کرد.

عیلی: کاهن یهودی در خیمه واقع در شیلوه که حنا را برکت داد و سموئیل را بزرگ کرد تا جانشین او بشود؛ پدر دو پسر گناهکار، حُفنی و فینحاس.

القانه: نبی، پدر سموئیل، و شوهر حنا و فننه.

ایفود: لباسی مقدس از کتان که در اسرائیل باستان توسط کاهنان پوشیده می‌شد.

جبعه: پایتخت و محل تولد شائول در قلمرو سبط بنیامین؛ شهری که کنیز لاوی در آن کشته شد (داوران ۱۹-۲۱).

جلیات: جنگجوی بزرگ فلسطینی که اسرائیل را به چالش نبرد با خود دعوت کرد و توسط داوود نوجوان کشته شد.

حنّا: همسر القانه که به حضور خدا برای یک فرزند دعا کرد و مادر سموئیل شد.
تاسیس: مرحله اول در آخرت‌شناسی آغاز شده؛ به اولین ظهور مسیح و خدمات رسولان و انبیای او اشاره می‌کند.

یوناتان: بزرگ‌ترین پسر شائول پادشاه و دوست نزدیک داوود که در جنگ با فلسطینیان کشته شد؛ پدر مفیوشت.

لاویان: افراد قبیله لاوی؛ به عنوان کاهنان به قوم اسرائیل خدمت می‌کردند.
میکال: کوچکترین دختر شائول پادشاه و اولین همسر داوود.

موسی: نجات‌دهنده و نبی عهد عتیق که اسرائیلیان را در خروج از مصر هدایت کرد؛ مردی که خدا با او «عهد شریعت» ملی را منعقد کرد و کسی که ده فرمان و کتاب عهد را بر اسرائیلیان اعمال کرد؛ همچنین در تبدیل هیئت عیسی همراه الیاس ظاهر شد.

فال مردگان: احضار ارواح به منظور برقراری ارتباط با آنها، عملی که شدیداً توسط خدا منع شده بود (رک. لاویان ۲۰).

عهد تازه: عهد تحقق در مسیح؛ اولین بار در ارمیا ۳۱: ۳۱ به آن اشاره شد.
نوب: موطن کاهن اعظم، اخیملک، و جایی که کاهنان، مردم، و حیوانات همگی به جرم کمک به داوود توسط شائول کشته شدند.

فتنه: یکی از همسران القانه که چندین فرزند داشت و به همین دلیل با حنّا بدرفتاری می‌کرد.
فلسطینیان: قومی غیر سامی، جنگجو، احتمالاً اهل کریت، که در عهد عتیق غالباً در حال جنگ با اسرائیل بودند.

سموئیل: نبی، کاهن، و آخرین داور اسرائیل؛ در پاسخ به دعای حنّا متولد شد؛ تحت نظر عیسی کاهن بزرگ شد؛ در گذار اسرائیلیان از دوره داوران به زمان پادشاهی آنان را راهبری کرد.

شائول: اولین پادشاهی که از سوی خدا برای حکمرانی بر قوم اسرائیل تعیین شد.
پسر داوود: لقبی مسیحیایی که به فرزند عادل داوود که مدت‌ها انتظار او کشیده می‌شد اشاره دارد که قوم خدا را نجات خواهد داد؛ بارها در عهد جدید به عیسی اطلاق شده است (به ویژه در انجیل متی).

خیمه: چادری متحرک که تابوت عهد در آن نگهداری می‌شد و خدا حضور ویژه خود را در آن به اسرائیل نشان می‌داد.

صقلخ: شهری که توسط اخیش، پادشاه فلسطینی، به داوود داده شد.